داد و طلب
شماره چهارم اردی بهشت ۱۴۰۱

تاکتیک ۲۰

برای کنشگری مدنی پایدار
در شرایط محیطی پرمخاطره

رمز پیروزی کارگران آمازون چه بود؟

مروری بر مهمترین اعتراضات کارگری در سال ۱۴۰۰

بازخوانی مهمترین چالش‌های فراروی جنبش کارگری ایران

گاهنامه شماره چهار داوطلب

فهرست ..... صفحه ۱
سرمقاله ..... صفحه ۲
۲۰ تاکتیک برای کنشگری مدنی پایدار در شرایط محیطی پرمخاطره ..... صفحه ۳
مروری بر مهمترین اعتراضات کارگری در سال ۱۴۰۰..... صفحه ۸
بازخوانی مهمترین چالش‌های فراروی جنبش کارگری ایران ..... صفحه ۱۴
کارتون ..... صفحه ۱۵
بررسی جنبش معلمان توسط کنشگران صنفی و مدنی ..... صفحه ۱۶
رمز پیروزی کارگران آمازون چه بود؟..... صفحه ۲۰
برگزاری مراسم روز کارگر در ایران و کشورهای مختلف ..... صفحه ۲۳

گرافیتی روی جلد: اثر حمید نیکخواه

همراهان گرامی داوطلب
درود بر شما؛
با چهارمین شماره از گاهنامه داوطلب در خدمت شما هستیم که به فاصله چند هفته از بزرگداشت اول ماه مه، کمی دیرتر از روز جهانی کارگر منتشر می‌شود؛ آن هم در روزهایی که ایران شاهد گسترش اعتراضات صنفی و مردمی به افزایش بحران معیشت و بی‌توجهی حاکمیت نسبت به حقوق کارگران است و سازماندهی، همچنان حلقه مفقوده بسیاری از کنش‌های اجتماعی و صنفی است.
نخستین مطلب با آن چه امروز بر فضای صنفی و مدنی ایران می‌گذرد بی‌ارتباط نیست؛ در این مطلب با تاکتیک‌هایی برای کنشگری پایدار در شرایط محیطی پرمخاطره آشنا خواهیم شد. این ۲۰ تاکتیک به کنشگران صنفی و مدنی فعال در محیط‌های پرخطر و زیر محدودیت‌ها و برچسب‌های امنیتی امکان می‌دهد که با استفاده از هر میزان ظرفیتی که در اختیار دارند، فرصت‌های جدیدی برای پیشبرد اهداف خود خلق کنند.
در دومین مطلب منتشر شده این شماره اما به مرور مهم‌ترین اعتراضات کارگری در سال ۱۴۰۰ پرداخته‌ایم؛ از نیشکر هفت‌تپه که با ممارست و پیگیری کارگرانش اندکی آرام گرفته تا اعتراضات دامنه‌دار معلمان شاغل و بازنشسته که همچنان نیز ادامه دارد.
از درون همین اعتراضات و حواشی آن است که مهم‌ترین چالش‌های کارگران ایران، آشکار می‌شود و سومین مطلب منتشر شده در این شماره به صورت خلاصه مهمترین این چالش‌ها را مورد واکاوی قرار داده است.
برای کمی تامل و درنگ بیشتر در حال و روز کارگر ایرانی اما، تعمق در کارتون «حسین نقیب» را پیشنهاد می‌کنیم که طعنه‌ای زده به شکاف میان دستمزد و خط فقر؛ شکافی که مدت‌هاست به دغدغه بخش بزرگی از مزدبگیران ایران تبدیل شده و از کارگر روزمزد تا پرستار و معلم را در خود فروبلعیده.
اما دستاورد این کنش‌های اعتراضی چیست؟ معلمان که گسترده‌ترین حرکت‌های صنفی سالیان اخیر را سامان داده‌اند، امروز در کجای جغرافیای مطالبه‌گری جامعه ایرانی ایستاده‌اند؟! شاید جز خود آن‌ها کسی نتواند به این پرسش به درستی پاسخ دهد. داوطلب در این شماره با گردآوری دیدگاه‌های کنشگران صنفی معلمان به نقد درونی و بیرونی این جریان صنفی پرداخته و تجربه آنان را از سازماندهی کنش‌های صنفی ثبت و ضبط کرده است.
«سازماندهی» یعنی حلقه مفقوده کنش‌های صنفی و مدنی در جامعه ایرانی، نیازمندیادگیری مستمر تکنیک‌ها وتاکتیک‌های کار مشارکتی و به‌روزرسانی ابزارهای تغییر است. در این میان شاید مروری بر تجربیات ثبت شده در کنش‌های صنفی، به فرآیند یادگیری و سپس به کار بستن این ابزارها بر اساس بومی‌سازی تجربیات آموخته شده، کمک کند. تجربه پر فراز و نشیب کارگران «آمازون» در آمریکا برای راه‌اندازی اولین اتحادیه کارگری این شرکت،از جمله این تجربیات خواندنی است که پیشنهاد می‌کنیم خواندن آن را از دست ندهید.
اما در آخرین مطلب این شماره هم در حال و هوای ماه مه مانده‌ایم و سری به چگونگی برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در کشورهای مختلف زده‌ایم. از هند، ترکیه، کره‌جنوبی، فرانسه و اسپانیا تا برگزاری مراسم دولتی خانه کارگر در تهران؛ نقطه مشترک در برخی از این کشورها، استفاده پلیس از درجاتی از خشونت در برابر کارگران معترض است.
با امید به این که آگاهی از حقوق صنفی و مدنی به همراه کنشگری هوشمندانه، گره‌گشای فردای جامعه ایران باشد، از شما دعوت می‌کنیم تا با چهارمین شماره از گاهنامه داوطلب همراه شوید.

۲۰ تاکتیک

برای کنشگری مدنی پایدار در شرایط محیطی پرمخاطره

جنبش‌ها و جریان‌های مطالبه‌محور و اعتراضی تلاش می‌کنند تا با انتقال موثر پیام خود بر صاحبان قدرت سیاسی و سایر نیروها و بازیگران سیاسی-اجتماعی تأثیر بگذارند و تحولات مثبتی را به صورت پایدار و طولانی‌مدت ایجاد کنند. رسیدن به این هدف در شرایط محیطی پرمخاطره آسان نیست. سرکوب، تهدید و سلطه نگرش امنیتی بر فضای فعالیت صنفی و مدنی گرچه کنشگران را در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار می‌دهد ولی کنشگران با پذیرش نقش‌های مختلف می‌توانند تاکتیک‌هایی را آزایش کنند که احتمال دستیابی به اهداف و پایداری جنبش‌ها را بیشتر فراهم کنند.

۱- به کاربستن استراتژی چندجانبه

مؤثرترین جنبش‌های اعتراضی راه‌کارهایی برای انتشار چند وجهی پیام‌های خود دارند که گروه‌های مختلف مردم را درگیر کنند. انتشار چندوجهی پیام امر مهمی‌ست، چرا که انرژی جنبش را در بلندمدت به وسیله تأثیرات و ایده‌های مختلف افزایش می‌دهد. بیان یک خواسته صنفی به شیوه‌های مختلف و پیاپی رسانه‌ای و تدارک عمل‌های جمعی سازمان‌یافته برای آگاه کردن هم‌زمان دولت و یا گروه‌های فعال صنفی نمونه‌هایی از انتشار چندوجهی پیام است.

۲- هدف‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت

هدف‌گذاری کوتاه و بلند مدت مستلزم داشتن چشم اندازی است که از موضوعاتی که در اصل سبب ایجاد جنبش شده فراتر برود و درپی راه‌های عملی برای دگرگونی جامعه باشد.

تعیین اهداف مشارکتی و شفاف، با کسب نظر از اعضا به جنبش‌ها کمک می‌کند که میزان موفقیت و شکست اقدامات و کمپین‌ها را بتوانند اندازه‌گیری کنند. بسیاری از جنبش‌ها با وجود موفقیت کوتاه مدت یعنی بلافاصله پس از تحقق اهداف کوتاه مدت علیرغم پتانسیل بالا برای ایجاد تغییر پایدار، از بین می‌روند. به همین ترتیب، عدم تحقق اهداف کوتاه مدت لزوماً تأثیر یک جنبش در بلند مدت را کاهش نمی‌دهد.

به عنوان مثال، هدف کوتاه مدت جنبش دانشجویی شیلی، افزایش حمایت دولت از دانشجویان از طریق بورس‌های تحصیلی، وعده‌های غذایی یارانه‌ای و حمل و نقل بود. با این حال، این جنبش در دستیابی به هدف بلندمدت خود یعنی اصلاح نظام سیاسی که همچنان براساس قانون اساسی نوشته شده در دوران دیکتاتوری پینوشه بود، موفقیت کمتری کسب کرد. با این همه، به پشتوانه موفقیت‌های کوتاه مدت بدست آمده، بسیاری از اعضای جنبش‌های دانشجویی توانستند **حمایت عمومی کافی برای تشکیل احزاب سیاسی خود را کسب کنند** و در انتخابات نامزد شوند. این احزاب حدود ۲۰ درصد کرسی‌های پارلمان را به دست آوردند و بنابراین ممکن است در آینده بتوانند به اهداف بلندمدت جنبش دست یابند و ایجاد تغییرات پایدار را تضمین کنند.

۳- کمپین‌ها و استراتژی‌های متنوع

با وجود روش‌های مختلف انتشار جنبش، هیچ روش واحدی همیشه موثر نیست زیرا زمینه‌های مبارزاتی مختلف به استراتژی‌های مختلفی نیاز دارند. مهم است که همه عوامل و بازیگرانی که در ایجاد تغییر نقش دارند را در نظر گرفت و کمپین‌هایی مناسبی برای هر یک، طراحی کرد.

در مکزیک، جنبش رو به رشد ناپدیدشدگان، که در پاسخ به ناپدید شدن ده‌ها هزار نفر از مردم به وجود آمد، از مجموعه‌ای از استراتژی های مختلف برای برپایی کمپین استفاده می‌کند.

برگزاری راهپیمایی‌های گسترده در مکان‌های مختلف، به ویژه در روزهای خاص مانند روز مادر، جمع‌آوری اطلاعات در مورد افراد مفقود شده، برپایی کمپین‌های گسترده حمایتی و آگاهی بخشی و گسترش آگاهی در مقیاس جهانی از جمله این استراتژی‌ها بوده است. جنبش ناپدیدشدگان مکزیک، همچنین برای پیدا کردن افراد ناپدید شده گروه‌های جستجو تشکیل داد و حتی با کندن زمین تلاش کرد به گورهای دسته جمعی دسترسی پیدا کند. هرکدام از این راهبردها **بخش معینی از جامعه را هدف قرار می‌دهند تا با تجمیع همه اقدامات** منجر به بهبود اوضاع و کشف حقیقت شود.

ضمن پرداختن به اقدامات اعتراضی، لازم است که استراتژی‌هایی برای اثرگذاری بر گروه‌های مصلح خشونت‌پرهیز درون حاکمیت نیز، تدوین شود. گروه‌های مصلح، به ویژه در محیط‌های بسیار سرکوبگر، فرصتی را برای شهروندان فراهم می‌کنند تا نارضایتی های خود را نزد افراد دلسوز که به اهرم‌های قدرت هم دسترسی دارند، ابراز کنند.

۴-پیوندهای استراتژیک

مشارکت با سازمان‌های باثبات که اهداف مشابهی دارند، یک راه مهم برای افزایش پشتیبانی عمومی و اعتبار یک جنبش است. هم‌گرایی فقط درصورتی حاصل می‌شود که جنبش نیازمند به شرکای اجتماعی اهداف کوتاه مدت و بلندمدت خود را بطور واضح تعریف کرده باشد و بداند که چگونه ایجاد مشارکت دردستیابی به این اهداف کمک می‌کند.

به عنوان مثال، در جریان اعتراضات دانشجویی شیلی که در کوتاه مدت بهبود دسترسی و برخورداری از پشتیبانی دولتی دانشگاه‌ها را هدف قرار داده بود، طبیعتا جنبش‌های مختلف دانشجویی با یکدیگر مشارکت کردند. با این حال، دانشجویان به دلیل خواسته تغییر سیاسی بلندمدت، با اتحادیه‌های کارگری بخش عمومی که منافع مشابهی داشتند نیز مشارکت کردند. این امر باعث افزایش مشارکت در راهپیمایی‌ها و کمپین‌ها شد.

۵- ساختارهای رهبری و مدیریتی غیر متمرکز

با تمرکززدایی از ساختارهای رهبری و مدیریت، همه صداها در جنبش شنیده می‌شوند. با تصمیم‌گیری همگانی و تقسیم مسئولیت‌های مدیریتی جنبش بین تمامی اعضا، همچنین خستگی و خطر میان همگان تقسیم می‌شود.

جنبش‌های بزرگ‌تر نیز با ایجاد دفاتر یا واحدهای مختلف در سطح شهرها و حوزه‌های قضایی متفاوت می‌توانند معترضان بیشتری با اهداف مشابه را جذب کند. به عنوان مثال، قیام انقراض در انگلستان -که به تغییرات آب و هوایی، نابودی تنوع زیستی و خطر فروپاشی اجتماعی و زیست محیطی معترض است- به منظور گسترش جنبش، گروه‌های محلی در شهرها و حوزه‌های قضایی مختلف تأسیس کرد و اکنون به جنبشی جهانی تبدیل شده است.

٦- نفوذ به قلب و ذهن افراد

جنبش‌های موفق معمولا پیام‌رسانی خود را بر مواردی متمرکز می‌کنند که افراد را به طور شخصی تحت تاثیر قرار دهد و آنها را ترغیب کند تا در مورد اهداف جنبش بیشتر بدانند. پیامی با قابلیت جهانی شدن، مانند منع شکنجه، تغییر اقلیم، مسکن یا دسترسی به آب، برخورداری از حق تحصیل رایگان و حق برخورداری از سلامت و تامین اجتماعی، می‌تواند حمایت از یک جنبش را افزایش دهد و سبب شود که افراد با آن نزدیکی بیشتری داشته باشند.

۷- تکنیک‌های پیام‌رسانی و درگیرکردن احساسات

با استفاده از ترفندهای شخصی پیام‌رسانی می‌توان احساسات افراد را درگیر و هدف جنبش را ملموس کرد. به نحوی اطلاعات را با افراد به اشتراک بگذارید که افراد متوجه شوند احتمالاً اشخاصی که می‌شناسند در آینده تحت تأثیر چنین مشکلی قرار خواهند گرفت، یا حس کنند چقدر خوش شانس بوده‌اند که تاکنون تحت تأثیر این مساله قرار نگرفته‌اند. با این شیوه پیام‌رسانی نادیده گرفتن موضوع به بهانه این که به آن‌ها ربطی ندارد برایشان سخت می‌شود. در مکزیک، موفق‌ترین و بزرگ‌ترین راهپیمایی‌های دسته جمعی جنبش ناپدیدشدگان در روزهایی مثل روز مادر توسط مادرانی که فرزندانشان ناپدید شده‌اند برگزار شد. مردم با مادرانی که فرزندان خود را از دست داده‌اند، همدردی می‌کنند. اگر این گونه راهپیمایی‌ها در روزهای خاصی که در آن روابط خانوادگی را جشن می‌گیرند برگزار شود، تاثیر دوچندان دارد. باید به محتوای پیام هایی که در جنبش‌ها به مردم داده می‌شود، توجه کرد و محتوای این پیام‌ها باید طوری باشند که عموم مردم با آن ارتباط برقرار کرده و آنرا جدی بگیرند.

مؤثرترین جنبش‌های اعتراضی دارای راه‌کارهایی برای انتشار پیام‌های چند وجهی خود هستند تا گروه‌های مختلف مردم را از این طریق هدف قرار بدهد.

۸-استفاده از پیام‌های امیدبخش

وقتی جنبشی از دل نارضایتی از وضعیت زاده می‌شود، به آسانی می‌توان همه پیام‌ها را بر سرزنش و شرمسار کردن افراد مسئول متمرکز کرد. با این حال، این استراتژی همیشه موفق به جلب حمایت عمومی نمی‌شود و اغلب نمی‌تواند مسئولین را تا حدی تحت فشار قرار دهد که دست به عمل بزنند، زیرا ممکن است وقیح باشند و اصلا احساس شرمندگی نکنند، یا در لاک دفاعی فرو بروند و یا خود را در حلقه حامیان خود پنهان کنند. در عوض، جنبش‌ها باید در پی بسیج امید باشند. زبان‌شناسان و روان‌شناسان دریافته‌اند که بهترین راه برای ترغیب افراد بی طرف به موافقت با یک هدف، برانگیختن احساسات مثبت در آن‌هاست. این به معنای شیرین جلوه دادن موقعیت‌های تلخ نیست، بلکه به معنی یافتن روزنه امید در یک موقعیت دلسردی و بی‌عملی عمومی است. اگر جمعیت انبوه را به مردم نشان دهید، ممکن است بترسند. اگر به آنها در مورد تک تک افراد بگویید و نشان دهید که این افراد می‌توانند خود آنها باشند، احتمال این که هم‌نوایی بیشتری نشان دهند زیادتر است.

بنابراین به جای نشان دادن یک زندانی در زندان، یک کمپین می‌تواند یک زندانی سابق را نشان دهد که در حال ساختن دوباره زندگی‌اش است. به جای نشان دادن یک پناهنده در بدترین وضعیت در یک اردوگاه پناهندگی، یک کمپین می‌تواند پناهنده‌ای را که کار و پیشه‌ای راه‌اندازی کرده و از خانواده خود مراقبت می‌کند نشان دهد. پیام این است که انسان‌ها را نشان دهیم، نه فقط درد و رنج را. نشان دهیم اگر نیروی‌مان را بسیج کنیم و دست به عمل بزنیم،چگونه اوضاع تغییرخواهدکرد وچه نوع زندگی‌هایی ممکن خواهد شد.

۹-همدل باشید

به عنوان یک فرد معترض، مهم است که نشان دهید اگرچه خود را کاملا «وقف هدف‌تان کرده‌اید»، انسانیت خود را از دست نداده‌اید. درک این نکته مهم است که کمپین‌هایی که شما در آن نقشی دارید، ممکن است باعث ایجاد دردسر و مشکلاتی برای سایر افراد شود که از عوارض طبیعی اعتراضات است و باید با آن کنار بیایند. با این حال، مهم است که کمپین باعث صدمه غیرضروری به سایر افراد نشود.

در شرایطی که افراد غیردخیل در کمپین متحمل ضرر و آسیب می‌شوند، همدلی کنید و با آن شرایط سازگار شوید. به عنوان مثال، در طول انقلاب مخملی در ارمنستان، معترضان عبور و مرور اتومبیل‌ها را متوقف کردند. این

کار آشکارا باعث دردسرها و مشکلاتی برای برخی افراد شد. با این حال، اعضای جنبش در میان اتومبیل‌ها قدم می‌زدند تا دریابند که آیا کسانی از میان رانندگان در وضعیت اضطرار واقعی هستند یا نه. هنگامی که چنین افرادی شناسایی شدند، معترضین به آن ها کمک کردند تا از میان اتومبیل ها عبور کرده و به مکان مورد نظرشان هدایت شوند.

با تمرکززدایی از ساختارهای رهبری و مدیریت، همه صداها در جنبش شنیده می‌شوند. با تصمیم‌گیری همگانی و تقسیم مسئولیت‌های مدیریتی جنبش بین تمامی اعضا، همچنین خستگی و خطر میان همگان تقسیم می‌شود

۱۰- مخاطبان خود را متحد کنید

مهم است که فعالیت جنبش را حول مسائل اصلی متمرکز کنید که افراد بسیاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این کار بهترین راه برای تضمین جلب حمایت گسترده از یک جنبش است.

در برزیل در سال ۲۰۱۳، در پی پشتیبانی گسترده مردمی از اعتراضات علیه افزایش بهای خدمات حمل و نقل عمومی در سائوپائولو و ریودوژانیرو جنبش اهداف خود را گسترش داد تا با فساد دولتی هم مبارزه کند.

اعتراضات مشابهی مربوط به حمل و نقل در ارمنستان هم رخ داد. به دلیل تعداد زیاد حامیان، معترضان توانستند با کمک رانندگان داوطلب یک سیستم حمل و نقل موازی راه اندازی کنند.

این موضوع به دولت نشان داد اگرچه بسیاری از مردم به وسایل نقلیه عمومی وابسته هستند نمی‌توان آن‌ها را به زور وادار به پرداخت نرخ بالاتری کرد. به دلیل همین اعتراضات دولت تصمیم گرفت که افزایش نرخی را که در نظر داشت به مردم تحمیل نکند.

۱۱- سخن‌گویان و چهره‌های اثرگذار پویا و فعال

افراد مشهور و شخصیت‌های معروف که دارای دنبال‌کنندگان زیادی هستند و از پشتیبانی عمومی برخوردارند، بیشتر وقت‌ها در انتشار پیام مؤثرند. در صورت لزوم، مشارکت با این افراد در جهت کمک برای جلب حمایت از یک ایده یا جنبش مفید است، به ویژه در دنیایی که به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر رسانه های اجتماعی بوده و به آن متکی است.

رهبران اعتراضات در آرژانتین به منظور اطلاع رسانی و آگاهی بخشی درباره جنبش‌های اعتراضی، به طور فزاینده‌ای به افراد مشهور، که از سوی عموم به عنوان الگو تلقی می‌شوند، اتکا می‌کنند. انتخاب این که با کدام چهره مشهور مشارکت کنید، باید همراه با بررسی‌های دقیق و استراتژیک باشد. باید واضح و روشن باشد که فرد مورد نظر نسبت به اهداف جنبش آگاهی و علاقه دارد و فقط درگیر منافع شخصی خود نیست. به عنوان مثال، لئوناردو دی‌کاپریو (بازیگر هالیوودی) سخنگوی جنبش علیه تغییرات آب و هوایی شده است و سال‌هاست خود را وقف این هدف کرده است. به همین ترتیب، هنگامی که دولت انگلستان می‌خواست قانونی را برای مالیات بر پلاستیک‌های یک بار مصرف تصویب کند، روزنامه نگار محبوب طبیعت، دیوید آتنبورو را برای همکاری برگزیدند و وی به ترغیب مردم در حمایت از قانون مالیات بر پلاستیک یک بار مصرف کمک کرد.

۱۲- پوشش رسانه‌ای

پوشش رسانه‌ای، عاملی کلیدی است که می‌تواند به موفقیت یا شکست یک جنبش کمک کند. پوشش خبری وگزارشی رسانه‌ها ازاعتراضات، اغلب عاری از صداقت و همراهی است- تجربه این شیوه خبررسانی در رسانه‌های داخلی وابسته به حاکمیت و فارسی‌زبان خارج از ایران که اهداف دولت‌ها و سایر جریان‌های سیاسی را دنبال می‌کنند، برای مخاطب ایرانی آشناست- و بدین ترتیب جلب حمایت مردمی نسبت به هدف اعتراضات را دشوارتر می‌کند. بنابراین داشتن روابط محکم با روزنامه‌نگاران و توضیح ماهیت و دلایل اهمیت جنبش و نیز حقوق معترضان اهمیت به سزایی دارد. گزارش‌دهی دقیق در مورد اعتراضات باعث افزایش فشار داخلی و خارجی برای رسیدگی به خواسته‌های معترضان می‌شود.

به عنوان یک فرد معترض، مهم است که نشان دهید اگرچه خود را کاملا «وقف هدف‌تان کرده‌اید»، انسانیت خود را از دست نداده‌اید. در شرایطی که افراد غیر دخیل در کمپین متحمل ضرر و آسیب می‌شوند، همدلی کنید و با آن شرایط سازگار شوید

۱۳- استفاده از پخش زنده (لایو استریم)

رسانه‌ها که مطالب را ضبط و ویرایش می‌کنند، اغلب اوقات خواسته یا ناخواسته گزارش وضعیت را به نفع تمایلات سیاسی خاصی دست کاری می‌کنند. برای کم اثر کردن این نوع دست‌کاری، جنبش اِشغال در ایالات متحده با دو سیستم اشتراک‌گذاری ویدیو بنام های Ustream و Livestream وارد همکاری شد و از این دو به طور گسترده برای پخش محتوای ویدیویی زنده و عکس استفاده کرد. این سرویس‌ها به معترضان امکان می‌دهند که کانال‌های ویژه خود، مانند Globalrevolution.tv را ایجاد کنند، کانالی که با روایت‌های مغرضانه رسانه‌های سنتی مقابله می‌کرد. پخش زنده امکان پوشش موضوعاتی را که رسانه‌های جریان اصلی گزارش نمی‌دهند، فراهم می‌کند و چنین پوشش‌هایی را می‌توان در رسانه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام هم منتشر کرد.

۱۴- روابط دوجانبه سودمند ایجاد کنید

روزنامه‌نگاران همیشه درجستجوی یک داستان یا روایت جدیدی از یک داستان هستند. اجازه دسترسی رسانه ها به فضاهایی که معمولا مانع حضورشان می‌شوند، ممکن است آن ها را به طرف شما جلب کند و می‌تواند نتایج مفیدی برای هر دو طرف به همراه داشته باشد. به عنوان مثال، در مکزیک اعضای خانواده ناپدیدشدگان غالباً به کوه می‌روند، تا مکان‌هایی را پیدا کنند که به قبر شبیه‌اند و این گورها را برای جستجوی بقایای انسانی می‌کاوند. این کار هم امری شخصی است و هم یک کار بسیارخطرناک. افراد زیادی هنگام انجام این کار مورد حمله قرار می‌گیرند، یا خودشان ناپدید می‌شوند. مردم با روزنامه‌نگاران ارتباط برقرار کردند و از آن‌ها خواستند که در جست‌وجوی این قبور با آن‌ها همسفر شوند و روزنامه نگاران توانستند از زاویه تازه‌ای به ماجرا بنگرند و برای جویندگان نیز محافظت بیشتری فراهم کنند. در

صورت حضور روزنامه‌نگاران، احتمال حملات کمتر بود و غیبت آن‌ها در صورت ناپدیدشدن، توجه بیشتری جلب می‌کرد.

به جای نشان دادن یک زندانی در زندان، یک کمپین می‌تواند یک زندانی سابق را نشان دهد که درحال ساختن دوباره زندگی‌اش است

۱۵- نمایش چهره واقعی و انسانی

حضور افراد کلیدی یک جنبش در رسانه‌ها هرچند که از دید برخی هزینه‌زا و خطرناک است ولی چنین ریسکی می‌تواند با استراتژی درست مدیریت شود. شرکت معترضان در مصاحبه و مناظره‌های عمومی می‌تواند به جنبش چهره‌ای انسانی ببخشد؛ مردم با تصویر انسانی فردی معترض راحت‌تر همدلی می‌کنند تا جمعیتی معترض در اخبار. در ضمن، با حضور رسانه‌ای می‌توان بدون ترس از دستکاری در روایت ماجرا، تصویر جنبش را کنترل کرد.

۱۶- ایجاد حس تعلق به یک جامعه

اعتراضات لازم نیست حتما شکل کلیشه‌ای راهپیمایی داشته باشند. اعتراضات موفقیت آمیز می‌تواند در قالب اشغال مکان‌ها، تحصن و یا شکل‌های خلاقانه دیگری خود را نشان دهد. صرف نظر از شکل اعتراضات، مهم است که افراد شرکت‌کننده در اعتراض، حس کنند بخشی از یک جامعه هستند. این امر باعث می‌شود افراد بیشتری به جنبش بپیوندند و فضایی را ایجاد می‌کند که افراد برای حضور طولانی تر در اعتراضات احساس امنیت کنند. در بعضی مواقع حضور بلند مدت در جنبش‌های همگانی ضروری است.

مهم است که فعالیت جنبش را حول مسائل اصلی متمرکز کنید که افراد بسیاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این کار بهترین راه برای تضمین جلب حمایت گسترده از یک جنبش است.

۱۷-هنر اعتراضی

فضاهای اعتراضی ذاتاً خلاقانه هستند. چرا که معترضان به دنبال ابراز نارضایتی و تصور جهانی بهترند. بنابراین استفاده از خلاقیت‌های هنری، غالباً یکی از ویژگی‌های این فضاهاست.

در طول انقلاب مخملی ارمنستان در سال ۲۰۱۸، نرازندگان، معترضان و عابران را با کنسرت‌های بداهه سرگرم می‌کردند. یا مثلا در جریان اعتراضات صنفی معلمان در ایران، تعدادی از فعالان صنفی در شهرهای مختلف کشور و در جریان تجمعات اعتراضی با خواندن ترانه‌هایی در میان جمعیت تلاش کردند، توجه رسانه‌ها و مردم عادی را به حرکت خود جلب کنند. حمل کردن تابوتی با نماد شرکت هپکو (یکی از بزرگترین شرکت‌های تولید تجهیزات راه‌سازی) توسط کارگران این شرکت در اعتراض به خصوصی‌سازی از هنرهای نمایشی می‌توان برای نگاه طنز به سیاستمداران، درگیر کردن مردم در جنبش و جلوگیری از خشونت پلیس که اغلب در پاسخ به روش‌های اعتراضی متعارف رخ می‌دهد، استفاده کرد. چنین روش های خلاقی می‌تواند تصویر یک جنبش را شکل دهد و روحیه شرکت‌کنندگان را تقویت کند . عکس و نقاشی اغلب در نقش تصاویری فوری از اعتراضات عمل می‌کنند که می‌توانند پیام اعتراض را ماندگار کنند.

۱۸- فضاهای اعتراضی فراگیر

باید اذعان کرد که شرکت دراعتراضات اغلب کاری خسته‌کننده و وقت‌گیر است. بسیاری از افراد به دلیل مسئولیت‌های دیگری که دارند، از جمله نیاز به کار یا مراقبت از خانواده‌هایشان نمی‌توانند در حدی که دوست دارند، مشارکت کنند. معترضین باید تلاش کنند فضاهایی را ایجاد کنندکه از این امر آگاهی داشته و فراگیر و در دسترس همگان باشند. اعتراضات ضد خشونت مسلحانه در سال ۲۰۱۸ در ایالات متحده شامل راهپیمایی در یک مدرسه بود که باعث شد تقریباً یک میلیون کودک مدرسه‌ای و دانشجویان دانشگاه‌ها، کلاس های خود را ترک کنند. استفاده از چنین تاکتیک‌هایی که گروه های سنی مختلف را قادر به مشارکت می‌کنند می‌تواند بسیار ارزشمند باشد، اما حضور بچه ها در خانه در ساعاتی که باید در مدرسه باشند می‌تواند برای والدین گرفتاری هایی از نظر مراقبت از بچه ها ایجاد کند. برای پاسخ به این مشکلات در ارمنستان، تمهیدات ویژه‌ای برای مراقبت از کودکان در بین همسایگان و در اماکن اعتراضی برقرار شد تا اطمینان حاصل شود که والدین می‌توانند در جلسات دسته جمعی و راهپیمایی ها شرکت کنند. جنبش‌های اعتراضی باید نسبت به نیازهای متغیر اعضای خود هشیار بوده و قابلیت انطباق با شرایط و نیازها را داشته باشند.

روابط دوجانبه سودمند ایجاد کنید. روزنامه‌نگاران همیشه در جستجوی یک داستان جدید یا روایت جدیدی از یک داستان هستند. اجازه دسترسی رسانه‌ها به فضاهایی که معمولا مانع حضورشان می‌شوند، ممکن است آن ها را به طرف شما جلب کند و می‌تواند نتایج مفیدی برای هردو طرف داشته باشد

۱۹- هماهنگی استراتژیک با پلیس

خشونت مانع بسیار بزرگی برای رسیدن به اهداف جنبش است. پتانسیل خشونت چیزی است که باید از ابتدای جنبش به آن پرداخت. برخی از موفق‌ترین جنبش‌های اعتراضی با خنثی‌سازی خصومت قبل از شروع راهپیمایی‌های دسته جمعی، بطورکلی از خشونت اجتناب کردند. استفاده از روش‌های مسالمت‌جویانه در مواجهه با پلیس و تلاش برای برقراری ارتباط و گفتگو با پلیس از سوی کنشگران و رهبران یک جریان اعتراضی و توضیح دلایل برگزاری اعتراضات، اگرچه وقت‌گیر باشد و نیاز به تکرار چندباره داشته باشد، در درازمدت بر تغییر رویکردهای امنیتی نسبت به خرابکارانه بودن خاستگاه اعتراضات تاثیر خواهد گذاشت.

افراد مشهور و شخصیت‌های معروف که دنبال‌کنندگان زیادی دارند و از پشتیبانی عمومی برخوردارند، بیشتر وقت‌ها در انتشار پیام مؤثرند. مشارکت با این افراد در جهت کمک برای جلب حمایت از یک ایده یا جنبش مفید است

۲۰- کمپین خود را گسترش دهید

اگر مکانی که در آن اعتراضات را برگزار می‌کنید، انتخابی استراتژیک باشد می‌تواند به افزایش تعداد معترضان و رشد حمایت سایرین از کمپین منجر شود. به عنوان مثال، در جریان اعتراضات صنفی کارگران هفت‌تپه، بازار شوش به محلی برای برگزاری راهپیمایی‌های اعتراضی کارگران تبدیل شد. کارگران که نسبت به تاثیر عواقب خصوصی سازی بر کاهش درآمد و قدرت خرید خانواده‌های خود معترض بودند، در بازار شوش راهپیمایی می‌کردند تا بدین شکل بازاریان و کاسبان محلی را هم با یک حرکت صنفی مسالمت‌جویانه همراه و حمایت آنان را نیز کنند. به ادعای رهبران این اعتراضات صنفی، همین حرکت باعث افزایش آگاهی برخی از کاسبان و بازاریان نسبت به تداوم بحران معیشتی هزاران کارگر در یکی از قدیمی‌ترین کارخانه جات تولید شکر کشور شد.

اعتراضات لازم نیست حتما شکل کلیشه‌ای راهپیمایی داشته باشند. اعتراضات موفقیت آمیز می‌تواند در قالب اشغال مکان‌ها، تحصن و یا شکل‌های خلاقانه دیگری خود را نشان دهد. صرف نظر از شکل اعتراضات، مهم است که افراد شرکت‌کننده در اعتراض، حس کنند بخشی از یک جامعه هستند

فضاهای اعتراضی ذاتاً خلاقانه هستند. چرا که معترضان به دنبال ابراز نارضایتی و تصور جهانی بهترند. بنابراین استفاده از خلاقیت‌های هنری، غالباً یکی از ویژگی‌های این فضاهاست. در جریان اعتراضات صنفی معلمان در ایران، تعدادی از فعالان صنفی در شهرهای مختلف و درجریان تجمعات اعتراضی با خواندن ترانه‌هایی در میان جمعیت تلاش کردند، توجه رسانه‌ها و مردم عادی را به حرکت خود جلب کنند

جمع‌بندی

موارد مطرح شده در این توصیه‌نامه، از میان روایت‌ها و تجربیات زیسته کنشگران صنفی و اجتماعی به دست آمده، بنابراین به این راهکارهای پیشنهادی، می‌توان موارد دیگری نیز افزود.

کنشگران هوشمند بر حسب تجربه می‌دانند که استفاده از یک تاکتیک مشابه برای دو موقعیت متفاوت، نه تنها سودمند نیست بلکه می‌تواند منجر به توقف این جریان اعتراضی وکاهش سطح مشارکت ذینفعان در درازمدت شود. بنابراین همواره با مشورت وهمکاری با یکدیگر، به دنبال به روزرسانی ایده‌ها و تاکتیک‌هایی هستند که جنبش را به پیش برده و از توقف آن به هر نحوی جلوگیری کند.

مروری بر مهمترین اعتراضات کارگری در سال ۱۴۰۰:

از آزادسازی هفت‌تپه تا تسخیر خیابان توسط معلمان

سالی که گذشت برای جامعه کارگری ایران، سال پر خبری بود. کارگران در بخش‌های مختلف تولیدی، صنعتی، خدماتی، آموزشی، درمانی و غیره؛ روزهای پر افت وخیزی سپری کردند و تجربیات تازه‌ای از کنشگری صنفی و کارگری به ثبت رساندند. گرچه به دلیل سهم اندک گروه‌های کارگری در تعیین سیاست‌گذاری‌ها، تغییر عمده‌ای در ساختار روابط کار رخ نداد اما مقاومت صنفی بخش بزرگی از جامعه کارگری دست کم توانست اجرای برخی از طرح‌ها و سیاست‌های پیش‌بینی شده در روابط کار را به حال تعلیق درآورد. از جمله تعیین مزد منطقه‌ای به عنوان چارچوب و مدلی برای تعیین حداقل دستمزد که با مقاومت گروه‌های مختلف کارگری روبرو شد. اعتراضات صنفی و کارگری نیز از همان ابتدای سال ۱۴۰۰ با شدت بیشتری دنبال شد. افزایش بار تورم و فشار اقتصادی بر زندگی خانوارهای کارگری، شیوع کووید و بحران ناشی از توقف یا تغییر فعالیت برخی مشاغل و همچنین عواقب ناشی از برون‌سپاری و خصوصی‌سازی منجر به گسترش این اعتراضات شد. سه گروه در این اعتراضات پررنگ‌تر ظاهر شدند و توانستند به صدای غالب گروه‌های معترض مزدبگیران تبدیل شوند:

- **کارگران مجتمع‌های واگذار شده به بخش خصوصی و پیمانکاران:**
نمونه نیشکر هفت‌تپه، کارگران پیمانی نفت و کارگران معادن بخش خصوصی
- **معلمان:**
اعم از شاغل (رسمی، حق‌التدریس و غیره) و بازنشسته
- **کادر درمان:**
اعم از پرستاران و سایر سطوح و بخش‌های کادر درمان

در گزارش پیش رو تلاش خواهیم کرد جزییات برخی از مهم‌ترین جریان‌های اعتراضی کارگری را مرور کنیم؛ با این توضیح که فعالان کارگری می‌توانند با بازخوانی دقیق روند حرکت جریان‌های صنفی خود در پایان سال و مرور آن‌چه در اثر هیجان‌زدگی از دست‌اندازی خبری دور مانده، چشم‌انداز روشن‌تری را برای آینده جریان‌های صنفی خود ترسیم کنند.

روشن‌تری را برای آینده جریان‌های صنفی خود ترسیم کنند.

اعتراضات کارگری و خلع ید مالک خصوصی از نیشکر هفت‌تپه

از ابلاغ فرمان اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۸۴ تا به امروز، نزدیک به ۱۶ سال می‌گذرد. سیاست هایی که گرچه تلاش کرد با شعارهای اقناعی همچون «شتاب بخشیدن به اقتصاد ملی» و «گسترش مالکیت عموم مردم» خود را به اقتصاد کشور و افکار عمومی تحمیل کند اما به دلیل فقدان ساز وکار نظارتی و شفافیت در شیوه اجرا؛ به کانالی برای «رانت‌جویی» و «سهم‌بری» بیشتر نظامیان و کارگزارانی از درون حاکمیت تبدیل شد، تا آن‌چه از خصوصی‌سازی باقی می‌ماند گسترش فساد اقتصادی، ویرانی صنایع مادر و تولید ملی، افزایش واردات، بیکار کردن و فقدان امنیت شغلی کارگران باشد.

اعتراضات به این سیاست‌ها چنان سروصدایی به پا کرد که امروز دیگر «هفت تپه» به یکی از نمادهای جنبش کارگری و هم‌زمان نقطه ضعف و قوت آن تبدیل شده است. در یک سال گذشته کارگران نیشکر هفت‌تپه ماموریتی مهم را دنبال می‌کردند و آن بازپس‌گیری مجتمع از مالک خلع ید شده آن بود. «امید اسدبیگی» که با حکم قوه قضائیه (در زمان ریاست ابراهیم رئیسی) به جرم اخلال در نظام اقتصادی در جریان **فعالیت‌های خود سلب مالکیت شده بود، تا پس از برگزاری** انتخابات ریاست‌جمهوری در تابستان ۱۴۰۰، در این شرکت به فعالیت خود ادامه داد. فقدان نهاد صنفی قدرتمند، سایه سنگین اخراج بر سر فعالان کارگری و برخورد قضایی با تعداد زیادی از این فعالان که در جریان اعتراضات صنفی شناخته شده بودند، به تدریج بدنه جریان اعتراضی کارگران هفت‌تپه را ضعیف کرده بود، اما کارگران بدون توقف **حرکت‌های اعتراضی خود تلاش کردند از تمام ظرفیت‌ها** برای پیشبرد مطالبه اصلی خود که خلع ید مالک هفت‌تپه و بازپس‌گیری آن از بخش خصوصی بود، استفاده کنند.

موج اعتراضات کارگران هفت‌تپه، به بازار شوش نیز کشیده شد و با اجرای حکم خلع ید مدیر وقت، نیشکر هفت‌تپه در اختیار شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان (یکی از شرکت‌های زیرمجموعه طرح‌های هفت‌گانه دولت برای توسعه نیشکر خوزستان) قرار گرفت.

اعتراضات صنفی و کارگری نیز از همان ابتدای سال ۱۴۰۰ با شدت بیشتری دنبال شد. افزایش بار تورم و فشار اقتصادی بر زندگی خانوارهای کارگری، شیوع کووید ۱۹ و ... از جمله عوامل گسترش این اعتراضات بود

هرچند به باور بسیاری از فعالان کارگری بازگشت این مجتمع به دولت دستاورد بزرگی است ولی به دلیل نبود تشکل مستقلی که مطالبات صنفی کارگران را به شکل ویژه دنبال کند؛ سرنوشت نیشکر هفت‌تپه و به طور کلی مجموعه های صنعتی مادر همچون این مجموعه صنعتی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و چگونگی پیگیری مطالبات کارگری در شرکتی که کارگران با تنوع قراردادی مشغول به کارند، **همچنان مبهم است.**

گِل گرفتن درب محل فعالیت شورای اسلامی کار در تابستان ۱۴۰۰ بر رویکرد کارگران اشاره دارد: این تشکل شبه حاکمیتی نمی‌تواند نماینده واقعی کارگران باشد و مطالبات آنان را پیگیری کند.

کمپین ۱۴۰۰ و اعتراضات کارگران پیمانی نفت

چند روز به پایان بهار ۱۴۰۰ اعتراضات کارگری درپالایشگاه‌های نفت و گاز پارس جنوبی، عسلویه و کنگان آغاز شد و ۱۳هزار کارگر پیمانی و پروژه‌ای شاغل در این مناطق که در سال‌های اخیر بارها به شرایط غیرعادلانه مزدی و قراردادی خود معترض بوده‌اند، در برخی از پروژه‌ها پیاپی دست به اعتصاب زدند.

در ادامه کمپین تابستان ۱۳۹۹ این بار کارگران ساده تا

کارگر متخصص و ماهر، با راه‌اندازی کمپین ۱۴۰۰ یا ۱۰-۲۰ و اطلاع‌رسانی در شبکه‌ها و گروه‌های مجازی ازکارگران پروژه‌ای شاغل در سایر واحدهای صنعتی نفت و گاز خواستند به کمپین بپیوندند و تا برآورده نشدن مطالبات از حضور در پروژه‌ها خودداری کنند و به خانه‌ها یا کمپ‌های اقامتی خود بازگردند.

کارگران تاکید می‌کردند که ساعات کار طولانی (بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز)، این مناطق را به اردوگاه کار اجباری برای کارگران تبدیل کرده است؛ آن هم در شرایطی که به گفته آن‌ها **دستمزدهای پرداخت شده به هیچ وجه تناسبی با شغل آنان و** میزان کارکردشان ندارد و اغلب هم دیر پرداخت می‌شود.

اصلاح قراردادها، افزایش دستمزدها و اصلاح مدت مرخصی (به ازای ۲۰ روز کار، ۱۰ روز مرخصی) مطالبات اصلی و محوری کارگران معترض بودند. گرچه برخورداری از حق تشکل‌یابی نیز به عنوان یکی از مطالبات کارگران پروژه‌ای مطرح شد اما این مطالبه به دلایل مختلفی چون ضعف آگاهی در خصوص فواید تشکل‌یابی، نتوانست به گفتمانی غالب و مسلط در بین فعالان کارگری این مناطق تبدیل شود.

شواهد میدانی نشان می‌دهد این اعتراضات پراکنده بدون رهبری مشخصی نزدیک به ۴۰ روز در برخی مناطق محل کار کارگران پیمانی ادامه داشت. پس از برگزاری کمپین ۱۰-۲۰ و قبول مطالبه کارگران یک واحد، برخی از گروه‌های مجازی با انتشار فرم قراردادهای جدید، از آن به عنوان دستاورد کمپین یاد می‌کردند و از کارگران می‌خواستند در مقابل استثمار بیشتر مقاومت کنند. با وجود همراهی عده‌ای از کارگران به تنگ آمده

از شرایط حاکم بر محیط کار در مناطق نفتی، گروه‌هایی از کارگران چاره‌ای جز ادامه فعالیت ولو در شرایط ناپایدار و ناعادلانه درآمدی و شغلی نیافتند. از طرفی تهدید و تطمیع کارگران توسط برخی از پیمانکاران با عقب‌نشینی برخی گروه‌های کارگری به ایجاد شکاف در صفوف کارگران منجر شد. با این حال کمپین ۱۴۰۰ به دلیل موقعیت استراتژیک فعالیت کارگران در مناطق نفتی توانست با فعالیت گسترده رسانه‌ای، بر سایر جریان‌های کارگری اثرگذار باشد و بخش زیادی از گروه‌های کارگری و مدنی را با خود همراه کند.

اعتراضات پراکنده کارگران پیمانی نفت بدون رهبری مشخصی نزدیک به ۴۰ روز در برخی مناطق محل کار کارگران پیمانی ادامه داشت

علاوه بر گروه‌هایی چون پاپینگ، اکیپ پروژه‌ای و جوشکاری، سندیکای فلزکار و مکانیک و شورایی به نام شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت که ادعا می‌کردند وظیفه سازماندهی این اعتراضات را بر عهده دارند، گروه‌های مختلف کارگری در کارگاه‌های صنعتی، معلمان، دانشجویان و فعالان مدنی داخل و خارج از کشور نیز با موج مطالبه‌گری کارگران پیمانی نفت همراه شدند.

دستاوردهای اعتراضات کارگران پیمانی نفت و گاز و کمپین ۱۴۰۰:

- اصلاح قراردادهای شغلی و مزدی در برخی پروژه‌ها (این اصلاحات در بسیاری موارد مقطعی بود و نتوانست برای مدت طولانی‌تری دوام داشته باشد و همچنان در بسیاری از پروژه‌ها شرایط ناعادلانه کار، حاکم است.)
- ترغیب شدن تعداد بیشتری از کارگران به اطلاع‌رسانی در خصوص شرایط نامناسب کار در برخی پروژه‌ها
- تشکیل ۱۱ انجمن صنفی کارگری در فاصله شهریور تا بهمن ۱۴۰۰ و راه‌اندازی کانون انجمن‌های صنفی کارگری؛ با وجود کارشکنی‌های کارفرمایان اصلی و پیمانکاران.

گسترده شدن اعتراضات معادن بخش خصوصی

بنا بر گزارش‌ها نزدیک به ۹۵٪ معادن ایران به بخش خصوصی واگذار شده‌اند و با اوج‌گیری واگذاری معادن در طول ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته اعتراضات کارگران این معادن نیز شدت گرفته است. در سال گذشته علاوه بر حوادث تلخ کارگری و مرگ کارگران در اثر حوادث کار (همچون مرگ دو کارگر محبوس در زیر آوار ناشی از ریزش یکی از کارگاه‌های معدن طزره که در بهار ۱۴۰۰ اتفاق افتاد) شهرهایی چون کرمان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی کانون اعتراض به استثمار و شرایط ناایمن کار در یک سال گذشته بوده‌اند. این اعتراضات در برخی موارد همچون معدن مس سونگون در آذربایجان شرقی و شش معدن زغال‌سنگ کوهبنان و زرند در کرمان به صورت شبانه‌روزی در جریان بود.

افزایش دستمزد و مزایا، همسان‌سازی حقوق مطابق با کارگران معادن دولتی، پرداخت حقوق و معوقات مزدی و بیمه‌ای، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، برقراری امنیت شغلی از طریق اصلاح قراردادها و ایمن سازی معادن از جمله مهم‌ترین مطالبات کارگران معترض بوده است.

این اعتراضات صنفی در فقدان کار تشکیلاتی و عمدتا توسط توده کارگران و در پاره‌ای موارد با همراهی خانواده‌های آنان، سازماندهی می‌شد. نمایندگان کارگری گرچه وظیفه اطلاع رسانی در خصوص بیان مطالبات را بر عهده گرفته بودند اما به دلیل نبود امنیت شغلی از پیگیری تشکیلاتی مطالبات صنفی کارگران بازمی‌ماندند. مهمترین ویژگی این دور از اعتراضات کارگران معادن بخش خصوصی که در پاییز ۱۴۰۰ در جریان بود، عبارتست از:

– حضور زنان در تجمعات کارگران معادن خصوصی زغال سنگ کرمان: در کوهبنان و زرند، زنان و فرزندان کارگران به صورت شبانه‌روزی در محل تجمعات حاضر می‌شدند و سخنرانی‌ها و مطالبه‌گری‌های آنان در خصوص تضییع حقوق کارگران در تصاویر پخش شده در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی به تناوب دیده شد.

– هم‌زمانی اعتراضات کارگران معان در سه نقطه از کشور: در حالی که کارگران معادن کرمان در اعتصاب بودند تحصن سه روزه کارگران معدن مس سونگون در آذربایجان شرقی و تجمع کارگران معدن آق‌دربند سرخس در مقابل استانداری خراسان رضوی خبرساز شد.

علاوه بر دو مورد مطرح شده، نحوه برخورد کارفرمایان و نیروهای حاکمیتی با مطالبات کارگران در هر نقطه متفاوت بود. در حالی که در یک نقطه به کارگران وعده دریافت حقوق معوقه داده می‌شد، در نقطه‌ای دیگر کارگران معترض با تطمیع و تهدید به اخراج از سوی کارفرما برای پایان دادن به اعتراض مواجه می‌شدند. در کرمان حتی کار به دخالت یگان ویژه نیروی انتظامی و برخورد خشونت‌آمیز با کارگران کشیده شد و خانواده‌های آنان نیز مجروح شدند.

درخواست مطالبات کارگران معترض معادن بخش خصوصی، سابقه‌ای چندین ساله دارد. کارگران معترض به قراردادهای موقت ۱ ماهه تا ۸۹ روزه به این نوع قرارداد معترضند و آن را دلیل اصلی ناامنی شغلی می‌دانند. کارگران می‌گویند قرارداد موقت زمینه دور زدن قوانین کار، عدم پرداخت کامل حق بیمه و اخراج کارگر را برای کارفرما فراهم کرده و باعث شده فاصله حقوقی آن‌ها با کارگران معادن هم‌جوار دولتی و نیمه دولتی به سه برابر برسد.

گل گرفتن درب محل فعالیت شورای اسلامی کار در تابستان ۱۴۰۰ بر رویکرد کارگران اشاره دارد: این تشکل شبه حاکمیتی نمی‌تواند نماینده واقعی کارگران باشد و مطالبات آنان را پیگیری کند

تضییع حقوق کارگران معادن خصوصی در شرایطی ادامه دارد که بسیاری از مزایا از جمله حق سختی کار، حق اولاد، حق کار در شرایط بدی آب وهوا و طرح طبقه‌بندی مشاغل نیز در این کارگاه‌ها اجرا نمی‌شود. کارگران می‌گویند اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل باعث شده که برخی با ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار همچنان با دستمزدهای حداقلی تا زمان بازنشستگی مشغول به کار باشند و در مواردی به خاطر تاخیر در پرداخت حق بیمه و عدم تمدید دفترچه‌های درمان در صورت **آسیب‌دیدگی در حین کار، از حمایت‌های حداقلی کارفرمایان محروم** بمانند.

دستاوردهای این اعتراضات برای کارگران این معادن گرچه در مواردی به صورت مقطعی نتیجه‌گرا بود اما با توجه به فقدان فعالیت تشکیلاتی و عدم انسجام در سازماندهی، در درازمدت چندان پربار نبود.به طور کلی در این شیوه از مطالبه‌گری حساسیت‌های حاکمیت نسبت به خواست ایجاد تشکل‌های کارگری از سوی معترضان به رسمیت شناخته می‌شود و کارگران تنها بر پاسخگویی حکومت، بر نیازهای اولیه متمرکز می‌شوند و همواره مطالباتی چون حق تشکل‌یابی به حاشیه رانده و یا **سرکوب می‌شوند.**

بازنشستگان و یکشنبه‌های اعتراض

با وجود سابقه ده ساله اعتراضات بازنشستگان، تقاضا برای همسان‌سازی مستمری از یک سال گذشته شدت گرفته است. این اعتراضات به صورت پراکنده و در فقدان سازماندهی مشخص تشکیلاتی با تعیین یکشنبه‌ها به عنوان روزهای اعتراضی بازنشستگان، به صورت سراسری (گاه پرشور و گاه با جمعیت اندک و پراکنده) به تناوب ادامه داشته است.

تورم افسارگسیخته، سختی تامین معاش روزمره برای خانوارهای کارگری در دو ساله اخیر شیوع کووید ۱۹ و تشدید بحران‌های اقتصادی بر شکاف درآمدی افزود و باعث گسترش تجمعات اعتراضی بازنشستگان شد. این اعتراضات در ماه‌های پایانی پاییز و زمستان ۹۹ شدت گرفت ودر ۱۴۰۰ به اوج خود رسید. معترضان، عمدتا در روزهای یکشنبه و در مقابل ادارات سازمان تامین اجتماعی تجمع اعتراضی برپا کردند و در فقدان رهبری و کار تشکیلاتی مشخص، عمدتا در رسانه‌های اجتماعی دست به سازماندهی اعتراضات زدند.

معترضان گفتند حاکمیت طی چهار دهه، سفره بازنشستگان را روز به‌روز کوچک و کوچکتر کرده و گرانی و تورم سرسام‌آور را به زندگی آنان تحمیل کرده است. مهم‌ترین خواسته بازنشستگان معترض، متناسب‌سازی مستمری از طریق تخصیص بودجه مناسب برای به حداقل رساندن شکاف مستمری بین بازنشستگان تامین اجتماعی و سایر صندوق‌های بیمه‌ای بود. به تدریج و در پی تعلل دولت و مجلس در اجرای این درخواست‌ها، اعتراضات گسترده شد و مطالبات دیگری از جمله پرداخت عیدی دوبرابر حقوق، تعیین حقوق بر مبنای هزینه‌های واقعی خانوار و افزایش آن متناسب با نرخ تورم واقعی، بیمه جامع و کارآمد مطابق با ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی، پرداخت **بدهی ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق تامین اجتماعی، آزادی** بازنشستگان بازداشتی در اعتراضات هم به مطالبات اضافه شد.

با وجود تداوم تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و وعده دولت، تاکنون افزایش قابل ملاحظه‌ای در مستمری‌های پرداختی مشاهده نشده است؛ دولت سیزدهم وعده داده بود که از محل ارجاع مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی به ماده ۴۱ قانون کار و بخشنامه مزد ۱۴۰۱ حداقلی بگیران تامین اجتماعی تا ۵۷,۴ درصد و سایر سطوح ۳۸ درصد افزایش مستمری خواهند داشت ولی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ هیچ بودجه‌ای برای پرداخت بدهی صدها میلیاردی خود به تامین اجتماعی اختصاص نداده وپیش‌بینی می‌شود با حرکت تندتر این صندوق به سمت ورشکستگی، نگرانی خانوارهای کارگری و بازنشستگان از حمایت‌های بیمه‌ای جدی‌تر خواهد شد.

رکورد گسترده‌ترین تجمعات صنفی به نام معلمان ایران

احتمالا کمتر کسی را می‌توان یافت که از گسترده‌ترین اعتراض صنفی ۱۴۰۰ اطلاع نداشته نباشد. معلمان از گروه‌های مختلف سنی و شرایط کاری در یک سال گذشته ده‌ها تجمع اعتراضی برگزار کردند که خبرساز و جریان‌ساز شد. به دنبال گسترش کووید ۱۹ و عدم اجرای به موقع طرح واکسیناسیون و سپس آنلاین شدن کلاس‌ها و کمبود و ضعف زیرساخت‌های آموزش آنلاین باعث شد که معلمان فشار کاری بیشتری را تجربه کنند. در عین حال **مشاهده مشکلات ناشی از نبود زیرساخت‌های آموزش آنلاین در** برخی مناطق، معلمان عدالت‌خواه را که علیه کالایی شدن آموزش مبارزه می‌کردند نسبت به تداوم وضع موجود نگران کرد. کانون صنفی معلمان ایران، در ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ هم‌زمان با روز معلم

در ایران با انتشار بیانیه‌ای نسبت به بی‌توجهی حاکمیت به وضعیت نظام آموزشی و عدم توجه به خواسته‌های معلمان، چنین هشدار داد:

«اگرچه معلمان رسمی کشور همواره از پایین بودن حقوق خود و نامتناسب بود دریافتی خود با هزینه‌های زندگی در شرایط مزمن تورمی، ناراضی و معترض بوده‌اند، اما در سال‌های اخیر معلمان غیررسمی و قراردادی که در مدارس غیردولتی تدریس می‌کنند، عموما با وضعیت بسیار بدتری دست به گریبانند. این معلمان نه تنها

حقوق ناچیزی دریافت می‌کنند که ازحداقل‌های رسمی نیز اغلب پایین‌تر است، بلکه به دلیل بیکاری گسترده در سطح کشور به خصوص در میان جوانان تحصیلکرده، از امنیت شغلی لازم نیز برخوردار نیستند و همواره باید پاسخگوی انتظارات بسیار بیشتری از جانب مدیران مدرسه و حتی والدین دانش‌آموزان باشند. علاوه براین اغلب بیمه نمی‌شوند و ناچار هستند که در قراردادهای واقعی و نه صوری که به ناچار با موسسین این مدارس می‌بندند به همین حداقل‌ها رضایت دهند و اعتراضی هم نکنند.»

در این بیانیه همچنین نسبت به مواردی چون قرار گرفتن سهمیه برای استخدام و حضور طلاب در آموزش و پرورش، وضعیت حقوقی صندوق ذخیره فرهنگیان و عدم شفافیت مالی در فعالیت آن، عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد همسان‌سازی مستمری بازنشستگان هشدار داده شده بود.

با وجود سابقه ده ساله اعتراضات بازنشستگان، تقاضا برای همسان‌سازی مستمری از یک سال گذشته شدت گرفته است

با روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی و در حالی که با عدم موافقت مجلس با وزاری پیشنهادی آموزش و پرورش تا مدت‌ها این وزارتخانه بدون وزیر اداره می‌شد؛ روز یکشنبه چهاردهم شهریور ماه جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته با تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی و سازمان برنامه و بودجه، خواستار رسیدگی سریع به مطالبات صنفی خود از جمله اجرای طرح پرحاشیه « رتبه‌بندی معلمان » شدند که اجرای آن بیش از یک دهه به تعویق افتاده است.
در این تجمع سه گروه از معلمان بازنشسته، معلمان با سابقه‌ی بالا و گروهی که خود را «معلمان جوان» می‌نامند، به اجرا نشدن نظام رتبه بندی معلمان، عدم اجرای همسان‌سازی و هم‌ترازی حقوق و دستمزد با اعضای هیات علمی و معلق ماندن فوق‌العاده ویژه و دستور به تغییر و کاهش احکام صادره قبلی، اعتراض داشتند.
این تجمعات در حالی به دعوت جمعی از معلمان برگزار شد که کانون های صنفی و برخی گروه‌های مجازی معلمان، صرفا به پوشش اخبار این تجمعات اکتفاء کردند و سازماندهی این تجمعات را بر عهده نداشتند. پس از برگزاری این تجمع اما، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان که نهادی متشکل از کانون‌ها و انجمن‌های صنفی معلمان است با انتشار بیش از ۸ فراخوان ظرف ۶ ماه از معلمان سراسر کشور خواستند تجمع صنفی برگزار کنند.
دو خواسته اصلی معیشتی یعنی: رتبه‌بندی‌شاغلان هشتاد درصد حقوق هیات‌علمی و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری، عدالت آموزشی برای دانش‌آموزان وآزادی معلمان دربند پا به میدان عمل گذاشتند و اعتراضات میدانی گسترده‌ای را رقم زدند. گروه‌های مختلفی از معلمان از جمله معلمان بازنشسته، شاغل رسمی، غیردولتی، نهضتی، پیش‌دبستانی، ضمن خدمت، حق‌التدریس و این اواخر گروهی به نام کارنامه سبزها (قبول‌شدگان آزمون استخدامی آموزش و پرورش که به دلایل نامعلومی این سازمان از استخدام آن‌ها سر باز می‌زند) در زمره گسترده‌ترین اعتراضات صنفی-کارگری در ایران بوده که ابعاد مختلفی هم داشته و به برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی معلمان و ایجاد محدودیت در تشکل‌یابی آنان نیز منجر شده است.

با وجود پیشتازی جنبش صنفی معلمان در حرکت‌های اعتراضی و تداوم این حرکت‌ها، اما همچنان مطالبات وصول نشده بسیاری باقی مانده است که دولت‌ها با وجود وعده‌های مختلف به آن‌ها پاسخ نداده‌اند. معلمان در سطوح مختلف مطالبات گسترده‌ای دارند. اجرای سریع رتبه بندی با همترازی حداقل ۸۰ درصد حقوق هیات علمی دانشگاه‌ها، رایگان بودن آموزش در تمام سطوح بر اساس نص صریح اصل سی‌ام قانون اساسی، رسیدگی به وضعیت صندوق ذخیره فرهنگیان، اجرای فوق‌العاده ویژه ۵۰ درصد، افزایش پایه حقوقی معلمان خصوصا معلمان جوان، اجرای سریع قوانین مصوب شده و معوقه، گسترش دانشگاه فرهنگیان، عدم دخالت سیاست در آموزش و پرورش و همسان سازی حقوق بازنشستگان و شاغلان، بخشی از این مطالبات است.

مهم‌ترین دستاوردهای جنبش صنفی معلمان در پایان سال ۱۴۰۰ عبارت است از:

- افزایش تعداد و احیای تشکل‌های صنفی: در ۶ ماهه پایانی ۱۴۰۰ و به دنبال گسترده شدن اعتراضات سراسری معلمان، چندین انجمن صنفی با وجود محدودیت‌های گسترده بر سر راه تشکل‌یابی در شهرهای مختلف کشور تاسیس و یا احیا شدند ومجمع عمومی برگزار کردند.

- گسترش فعالیت معلمان در گروهها و شبکه‌های مجازی: هم اکنون ده‌ها گروه، صفحه و شبکه مجازی برای اطلاع‌رسانی در خصوص مطالبات معلمان و ارتباط تعداد بیشتری از معلمان با یکدیگر راه‌اندازی شده که ظرفیت بالقوه‌ای برای گسترش فعالیت تشکیلاتی محسوب می‌شود.

- متقاعد شدن دولت برای اجرای لایحه رتبه‌بندی پس از ۱۰ سال: لایحه رتبه‌بندی معلمان پس از کش و قوس‌های فراوان و در پی گسترده شدن اعتراضات صنفی معلمان سرانجام تبدیل به قانون شد. گرچه مجلس وعده داده بود در ۶ ماهه دوم ۱۴۰۰ ضمن اجرای این قانون، معوقات آن را نیز پرداخت کند، اما در ۲۳ اسفند ۱۴۰۰ بود که اجرای رتبه‌بندی معلمان از سوی رئیس دولت به آموزش و پرورش ابلاغ شد. بر اساس این طرح کلیه معلمان رسمی، پیمانی و افرادی که حکم معلمی دارند شامل این رتبه‌بندی خواهند شد. با این حال این قانون شامل بازنشستگان نمی‌شود.

تجمعات معلمان در حالی به دعوت جمعی از معلمان برگزار شد که کانون‌های صنفی و برخی گروه‌های مجازی معلمان، صرفا به پوشش اخبار این تجمعات اکتفاء کردند و سازماندهی این تجمعات را بر عهده نداشتند

پرستاران، کم‌رنگ اما مطالبه‌گر

یکی از جریان‌های صنفی که در سال‌های اخیر در اعتراض به تبعیض و بی‌عدالتی تجمعات گسترده‌ای را سامان می‌دهد، گروه‌های پرستاری و کادر درمان هستند. عدم اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری که از سال ۸۶ به تصویب مجلس رسیده اما به دلیل کارشکنی در اجرای قانون -به زعم پرستاران- به تعویق افتاده و افزایش بیش از ظرفیتِ فشار کار بر پرستاران در موج‌های مختلف همه‌گیری کووید ۱۹ ، از **مهمترین دلایل افزایش شدت اعتراضات پرستاران در دو ساله** اخیر بود. گرچه به نسبت سال‌های گذشته، اعتراضات میدانی آنها کاهش یافته اما گروه‌ها و طیف‌های مختلف پرستاری در کمپین‌های مختلف مجازی به شکاف مزدی و افزایش فاصله درآمدی بین پزشکان و پرستاران اعتراض دارند و تنها راه چاره را در اجرای تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، اجرای کامل قانون ارتقاء بهره‌وری، پرداخت فوق‌العاده خاص به کادر درمان، تبدیل وضعیت کلیه نیروهای غیررسمی از جمله روزه و حذف کلیه اشکال بنگاه‌داری در وزارت بهداشت عنوان می کنند.

در طول سال گذشته و به دنبال تاخیر در واکسیناسیون کووید ۱۹ در ایران و افزایش مرگ ناشی از نداشتن حداقل‌های حفاظت فیزیکی برای کادر درمان، کمپین‌هایی چون «کمپین تسریع واکسیناسیون کووید ۱۹ ، کادر سلامت ایران» یا «کمپین خون‌نامه پرستاران» نیز برگزار شد که نسبت به تداوم وضع موجود، به وزارت بهداشت و مسولان کشور هشدار می‌داد.

با وجود تشکیل این کمپین‌های مجازی، چنان‌که اشاره شد در یک سال گذشته پرستاران نتوانستند تجمعات صنفی پرشوری برگزار کنند. عدم هماهنگی و ضعف فعالیت جمعی در میان بدنه پرستاری، تفاوت مطالبات و شرایط حرفه‌ای در میان بخش‌های رسمی و غیررسمی و همچنین ضعف تشکل‌های صنفی موجود در سازماندهی مطالبات محوری پرستاران، از جمله مواردی است که به نظر می‌رسد سطح مشارکت صنفی میان پرستاران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

سال‌هایی که می‌گذرد برای جنبش کارگری ایران، سال‌های پر فراز و نشیبی است. از قرارگرفتن در معرض نوسانات اقتصادی و تحمیل فقر بر زندگی میلیون‌ها خانوار کارگری تا مقاومت در برابر تبعات خصوصی‌سازی رانتی و تلاش برای دستیابی به مزد و حقوق عادلانه، همگی در شرایطی است که جنبش کارگری ایران با چالش‌های بسیاری روبروست. هم‌زمان با اول ماه می روز جهانی کارگر، بخشی از مهم‌ترین چالش‌های جنبش کارگری ایران را مرور خواهیم کرد.

چالش دستمزد

یکی از عمده‌ترین چالشهای فراروی جنبش کارگری در ایران؛ چالش دستمزد است که به عنوان پروژه‌ای مشترک میان همه‌ی دولت‌ها دنبال شده است. پروژه‌ای که به دلیل عدم توازن قوا میان نمایندگان کارگری و کارفرمایی در شورایعالی کار و در راس آن سیاست‌های کلی اقتصادی، به عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی و افزایش جمعیت خانوارهای کارگری که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، دامن زده است.

موقتی‌سازی نیروی کار

موقتی‌سازی نیروی کار، دومین چالشی است که می‌توان به آن اشاره کرد. به استناد آمار رسمی، اکنون بیش از ۹۰ درصد نیروی کار کشور را نیروی کار دارای قرارداد موقت تشکیل می‌دهند. طرحی که مجوز آن از ابتدای دهه ۷۰ و در پی سیاست‌های مربوط به آزادسازی اقتصادی صادر شد، بعد از سال‌ها به پای ثابت روابط کار به ویژه در بخش خصوصی و پیمانکاری‌ها تبدیل شد و در پی آن کارگران زیادی با تهدید امنیت شغلی خود مواجه شدند. کاهش توان چانه‌زنی جمعی و عدم دستیابی به حداقل‌های حقوق کار، از اثرات سوءِ موقتی‌سازی نیروی کار بود که در تمام بخش‌های شغلی وجود دارد.

خارج کردن کارگاههای زیر ده نفر از شمول قانون کار

سومین چالشی که در این گزارش به آن اشاره شده، خارج کردن کارگاه‌های زیر ده نفر از شمول قانون کاراست. طرحی که ابتدا قرار بود به صورت آزمایشی با خارج کردن کارگاههای زیر ۵ نفر از شمول قانون کار در اواخر دهه هفتاد اجرا شود، با تثبیت شدن پایه‌های آن در ابتدای دهه‌ی ۸۰، به خارج کردن کارگاههای زیر ۱۰ نفر از شمول قانون رسید تا کارگران بیشتری از چتر حمایتی قانون کار خارج شوند. استیلای این قانون بر مناسبات کار و خارج شدن این کارگاه‌ها از نظارت مستمر و موثر بازرسان کار، بیش از هر چیز زنان و کودکان کارگر را که جمعیت بیشتری از نیروی کار در کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر را تشکیل می‌دهند، در معرض خطر قرار داده و زمینه بهره‌کشی و استثمار نیروی کار را به اشکال مختلف فراهم کرده است.

اشکال تازه خصوصی‌سازی

افزایش واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی با توجیه کوچک‌سازی دولت، چهارمین چالشی است که این روزها با حمایت از دولت از کسب وکارهای نوپا وارد فاز تازه‌ای شده است. اگر در دوره‌ای این سیاست با صدور مجوز واگذاری صنایع بزرگ دولتی به بخش خصوصی (عمدتا به صورت رانتیر) صورت می‌گرفت، در سالهای اخیر حمایت از کارآفرینی و کسب وکارهای نوپا (استارتاپ‌ها) به یکی از استراتژی‌های دولت برای خارج کردن تعداد بیشتری از مزدبگیران از چتر حمایتی خود تبدیل شده است. این سیاست به دلیل عدم وجود سازوکارهای نظارتی و قانونی که ضمانت اجراء داشته باشند، به استثمار و بهره‌کشی هرچه بیشتر نیروی کار و کاهش قدرت چانه‌زنی در میان نسل جدیدِ کارگران و کارجویان منجر خواهد شد.

حق تشکل‌یابی

قانون کار ایران، حق تشکل‌یابی را تنها برای سه تشکل شورای اسلامی کار، انجمن‌های صنفی و نمایندگان کارگری به رسمیت می‌شناسد و بر خلاف مقاوله‌نامه های بین‌المللی، به طور سیستماتیک به نقض گسترده‌ی حق تشکل‌یابی مستقل کارگران می‌پردازد. این تشکل‌های سه‌گانه به واسطه‌ی وابستگی ساختاری به دولت، از ماهیت مطلقا دموکراتیک برخوردار نیستند(گرچه تجربه نشان داده، نفوذ برخی چهره‌ها می‌تواند عملکرد این تشکل‌ها را به صورت مقطعی، دستخوش تغییرات مثبت کند) و سال‌هاست که جمع عظیمی از کارگران ایران به واسطه این انحصار تشکیلاتی و از سوی دیگر نبود بدیل مناسب، از حق چانه‌زنی بر سر حداقل‌های قانونی چون برخورداری از «دستمزد مناسب» محرومند.

کارتون انتخابی ماه

اثر: حسین نقیب

در ماه‌های اخیر گفتگو و اظهارنظر پیرامون اعتراضات معلمان، به پای ثابت بحث‌های برخی محافل صنفی و مدنی در شبکه اجتماعی تبدیل شده است؛ به نحوی که کنشگران صنفی، تقریبا به موازات برگزاری هر تجمع اعتراضی به تحلیل ابعاد و زوایای درونی و بیرونی کنشگری‌های صورت گرفته پرداخته‌اند و سیاسیون و کنشگران مدنی نیز روایت‌ها و تحلیل‌های خود را متاثر از حرکتِ به زعم آن‌ها فراگیر معلمان، با مخاطبان به اشتراک گذاشته‌اند.

در ادامه این روند، شنبه ۲۰ فروردین ماه در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس بحثی با عنوان «جنبش معلمان در موقعیت کنونی» با حضور جمعی از کنشگران صنفی و مدنی برگزار شد.

کنشگران صنفی و مدنی، وضعیت جنبش معلمان را بررسی کردند

کنش جمعی پیشرو اما شکننده و آسیب‌پذیر

بررسی مختصات این جریان صنفی، بررسی ویژگی‌های آن و نیم‌نگاهی به آنچه پیش روی جنبش معلمان قرار دارد، از جمله محورهای اصلی این بحث سه ساعته را تشکیل می‌داد. در میان سخنرانان اصلی این جلسه، کنشگران صنفی از تشکل‌هایی چون شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، سازمان معلمان ایران، کانون صنفی معلمان، و **انجمن صنفی معلمان فارس حضور داشتند که با** رویکردهای مختلفی به تحلیل موقعیت جنبش معلمان در شرایط فعلی پرداختند. در این نشست برخی از کنشگران صنفی به تحلیل ماهیت جریان اعتراضی معلمان پرداختند و تلاش کردند که ابهامات موجود در خصوص خاستگاه و ماهیت این جریان را مورد واکاوی قرار دهند. از جمله **این ابهامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:**

- سیاسی یا صنفی-سیاسی بودن
- جنبشی یا غیرجنبشی بودن
- نسبت این جریان با بدنه صنفی معلمان
- نسبت این جریان با حاکمیت و گروه‌بندی‌های سیاسی

مروری بر مجموعه اظهارنظرها نشان می‌دهد که جریان صنفی معلمان به باور کنشگران حاضر در این نشست که برخی از آنان در متن جریان اعتراضی سال‌ها و ماه‌های اخیر معلمان حضور فعال داشته‌اند، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر جریان‌های مطالبه‌محور فعلی در فضای اجتماعی ایران، متمایز می‌کند.

برخی از این ویژگی‌ها، مورد توافق فعالان صنفی است. از جمله:

- صنفی، مدنی و سیاسی بودن
- کنش‌گرا بودن
- طبقاتی بودن (از حیث منزلت و پایگاه اجتماعی تعلق به طبقه متوسط دارد و از حیث سطح درآمدی در رسته طبقه کارگر قرار می‌گیرد)
- مطالبه‌گر بودن
- متنوع و متکثر بودن
- فراجنسیتی بودن
- فراگیر و متشکل بودن
- مستمر و پویا بودن

گرچه ویژگی‌های دیگری نیز به این لیست اضافه شده، اما کمتر مورد توافق حاضران در نشست قرار گرفت. از جمله موارد چالش برانگیز در گفتگوی اخیر کنشگران صنفی، بحث بر سر تعریف و تبیین ماهیت حرکت‌های اعتراضی معلمان بود.

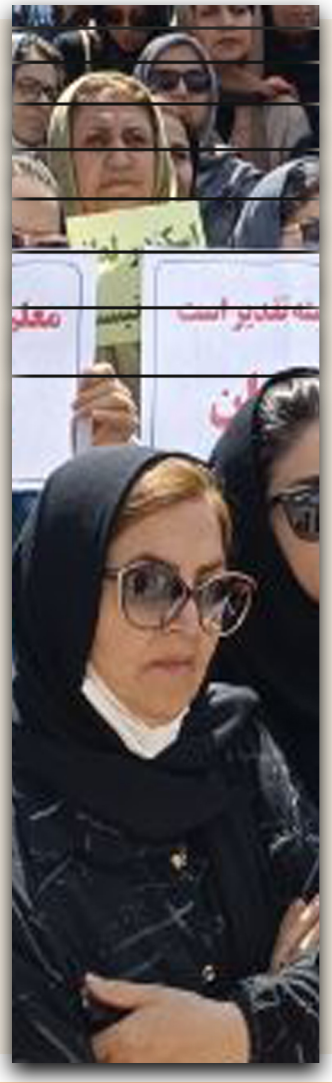

کنش‌های معلمان سیاسی است یا صنفی؟!

جدال بر سر سیاسی یا صنفی-سیاسی بودن و همچنین جنبشی یا غیرجنبشی بودن این حرکت ها، تا بدانجا کشیده شد که برخی از کنشگران صنفی، ادامه روند فعلی و عدم تعیین ماهیت جریان مطالبه‌گری معلمان توسط تشکل‌ها و کنشگران پیشروی صنفی را عاملی در جهت کاهش سطح مشارکت و عدم امکان استفاده از **حداکثر ظرفیت بدنه برای فشار بر حاکمیت** جهت پیگیری و تحقق مطالبات صنفی ارزیابی کردند. نقد این گروه از کنشگران عمدتا ناظر بر آسیب‌پذیر بودن موج مطالبه‌گری بود که تشکل‌های صنفی همچون شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان به راه انداخته بودند.

به باور این طیف، حرکت مطالبه‌گرانه معلمان به دلیل خاستگاه تماما صنفی، نسبتی با سیاست به معنای رادیکال آن یعنی تغییر نظام سیاسی

حاکم ندارد و حرکت اعتراضی معلمان یک حرکت صرفا صنفی و معیشتی که با درک ظرفیت‌های واقعا موجود و توانمندی بدنه در چارچوب قانون و با درک الزامات سیاسی و حقوقی کشور امکان تداوم دارد. به باور آن‌ها، جنبشی خواندن حرکت اعتراضی معلمان، ضمن آن‌که حاکمیت را نسبت به فعالیت مسالمت‌آمیز صنفی معلمان حساس کرده و بدنه صنفی معلمان را از پیگیری خواست‌های خود در چارچوب قانون بازمی‌دارد؛ انتظارات جامعه **و افکار عمومی را نسبت به آنچه معلمان به دنبال آنند، بالاتر** می‌برد.

«مژگان باقری» کنشگر صنفی فارس با تاکید بر ظرفیت‌های فعلی جریان اعتراضی معلمان، از فاصله معنادار آن با تعاریف مصطلح و معمول از جنبش‌های اجتماعی می‌گوید و اضافه می‌کند که به دلایلی حرکت‌های میدانی و اعتراضی معلمان در شرایط حاضر، با وجود برخی شباهت‌ها به جنبش‌های اجتماعی و مدنی، جنبش نیست.

اول این‌که اسم یک فعالیت صنفی را نباید جنبش گذاشت. در بسیاری از کشورهای دنیا این مطالبه‌گری‌ها وجود دارد و نام جنبش روی آن‌ها نمی‌گذارند. از طرفی وقتی به این کنش‌های صنفی «جنبش» می‌گوییم، انتظارات از این جریان افزایش می‌یابد و به تبع آن هزینه فعالیت‌های صنفی نیز بالاتر خواهد رفت.

چراکه حاکمیت همواره نشان داده روی فعالیت‌هایی که نام «جنبش» به آن‌ها اطلاق می‌شود، حساس است و تلاش می‌کند **تا این جریان‌ها را متوقف کند.**

این فعال صنفی در عین حال تاکید می‌کند که برخی جهت‌گیری‌های سیاسی درساختار تشکل‌های صنفی به ضرر جریان مطالبه‌گری معلمان بوده و نباید از تریبون‌های صنفی در جهت منازعات سیاسی با نظام حاکم استفاده کرد.

در همین رابطه، او چالش‌های فعالیت صنفی معلمان در سال را بیشتر ناظر بر عملکرد شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان می‌داند که بانیِ بسیاری از تجمعات اعتراضی یک سال گذشته بوده است. « این چالش‌ها شامل موارد زیر است:

- چالش پیشگیری از درافتادن در فعالیت‌های سیاسی:

کنشگران صنفی معلمان باید تعریف مشخصی از کنش صنفی و تفاوت آن با کنش سیاسی ارائه دهند. وقتی به عنوان کنشگر صنفی وارد میدان فعالیت می‌شویم، باید در چارچوب نظام حقوقی ایران فعالیت کنیم و بدانیم که درافتادن با نظام سیاسی برای بدنه صنفی معلمان هزینه‌زاست. نباید معلم به این نتیجه برسد که با آمدنش به خیابان، انگ «برانداز» بر او خواهد خورد.

- چالش پیوند خوردن جریان صنفی معلمان با سایر جنبش‌های مدنی و اجتماعی:

ما باید پا به‌پای بدنه پیش برویم. این‌که ما بخواهیم گروهی از فعالان سیاسی، صنفی و کارگری و غیره را وارد فرآیند مطالباتی خود کنیم و از آن‌ها بخواهیم که در خصوص فعالیت‌های معلمان اظهارنظر کنند یا به آن جهت بدهند، با بدنه معلمان و خواست‌های آنان همخوانی ندارد. حجم قابل توجهی از بدنه معلمان، نه فعالان کارگری، نه کنشگران سیاسی و نه جریان‌های مختلف اجتماعی را نمی‌شناسند و تنها چیزی که می‌خواهند بهبود وضعیت صنف و معیشت‌شان است. تشکل‌های صنفی را نباید به محلی برای تنازعات سیاسی با حاکمیت تبدیل کرد. این منافاتی با نوع نگاه یا نقد ما نسبت به عملکرد حاکمیت ندارد، بلکه باید فضایی را فراهم کنیم که از فعالیت صنفی در جهت منافع و یا تنازعات سیاسی استفاده نشود و با مشارکت بیشتر بدنه، شاهد تحقق مطالبات صنفی و قدرت‌گیری نهادهای صنفی و مدنی باشیم.»

این کنشگر صنفی در عین حال وظیفه مهم نهادهای صنفی را تلاش برای افزایش دانش، آگاهی و توانمندسازی معلمان برای مشارکت در فعالیت‌های صنفی دانست و گفت: در بهترین حالت در حال حاضر، تنها ۳ درصد از معلمان در حرکت‌های صنفی و میدانی مشارکت می‌کنند و باید با آموزش و آگاهی‌رسانی به معلمان، بر میزان اثربخشی حرکت‌های اعتراضی افزود.

حجم قابل توجهی از بدنه معلمان، نه فعالان کارگری، نه کنشگران سیاسی و نه جریان‌های مختلف اجتماعی را نمی‌شناسند و تنها چیزی که می‌خواهند بهبود وضعیت صنف و معیشت‌شان است

با وجود این اظهارنظرها اما گروهی دیگر از کنشگران صنفی معلمان، با تاکید بر حساس‌سازی جامعه و پیوند مطالبات معلمان با سایر اقشار، تلاش می‌کنند حرکت‌های اعتراضی معلمان را با مختصات جنبشی مورد ارزیابی قرار دهند. این گروه از معلمان، معتقدند مطالبات صنفی معلمان در پیوند با مطالبات مدنی معنا پیدا می‌کند و در این راستا باید هم‌زمان با پیگیری بهبود اوضاع معیشتی و صنفی معلمان؛ سیاست‌هایی چون کالایی‌سازی آموزش و بی‌عدالتی در دسترسی به خدمات **آموزشی را که بخش زیادی از جامعه دانش‌آموزی کشور درگیر آن** است را زیر سوال برد.

دغدغه معیشت، ذیل مطالبات مدنی تعریف می‌شود

«محمد حبیبی» کنشگر صنفی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران با بیان این نکته گفت: جریان صنفی معلمان بسیاری از ویژگی‌های جنبشی شدن را از حیث گستردگی، تداوم، سازماندهی و انسجام داراست و اطلاق «جنبش» به این حرکت مطالبه‌گرانه، درست و آگاهانه است.

او نگرشی را نقد کرد که اعتراضات میدانی معلمان را به مطالبه در راستای بهبود اوضاع معیشتی یک صنف تقلیل می‌دهد. به گفته حبیبی، چنین نگرشی می‌تواند از شدت تاثیرگذاری جنبش معلمان در سطح جامعه بکاهد.

این فعال صنفی جنبش معلمان را هم‌زمان سیاسی و غیرسیاسی معرفی کرد و ادامه داد: در ارتباط با موقعیت کنونی جنبش معلمان باید گفت که ما با جریان پویا و مطالبه‌گری مواجه هستیم که توانسته قدرت و توان خود را به جامعه اثبات کند. به این معنا جنبش معلمان یک جنبش سیاسی است. از طرفی در فضای کنونی جامعه ایران و به دلیل ساختارهای غیردموکراتیکی که وجود دارد، هر کنشی و هر عملی که در عرصه مدنی صورت می‌گیرد یک کنش سیاسی محسوب شده و از طرف **حاکمیت تحمل نمی‌شود.**

از سوی دیگر نوک پیکان مطالباتی که جنبش معلمان مطرح می‌کند، به سوی حاکمیت است و ما خواستار پاسخگویی حاکمیت به مجموع این مطالبات هستیم.

«محمد حبیبی» کنشگر صنفی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران با بیان این نکته گفت: جریان صنفی معلمان بسیاری از ویژگی‌های جنبشی شـدن را از حیث گستردگی، تداوم، سازماندهی و انسجام داراست و اطـلاق «جنبش» به ایـن حرکت مطالبه‌گرانه، درست و آگاهانه است

اما با این حال جنبش معلمان از حیث تبرّی از جریان‌های حاکمیتی وسیاسی داخل و خارج کشور، مستقل است و به هیچ‌یک از آن‌ها وابستگی ندارد. به این معنا جنبش معلمان جنبشی غیرسیاسی است که به جریان‌های سیاسی وابستگی ندارد.

او تاکید می‌کند که بر اساس این صورت‌بندی؛ مطالبات این جنبش را نمی‌توان به مطالبات معیشتی تقلیل داد و با اشاره به بیانیه‌ها و مواضع شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان تاکید می‌کند که این مطالبات در صدد پیوند با مطالبات جامعه مدنی است. مطالبه آموزش رایگان، باکیفیت و برابر برای همه دانش‌آموزان یا مطالبه مخالفت با آموزش ایدئولوژیک یا دفاع از آموزش زبان مادری، مطالبات معیشتی نیستند و مجموعه‌ای از مطالبات عمومی و کلان را دنبال می‌کنند که در پیوند با مطالبات سایر گروه **های جامعه مدنی قابل پیگیری و به نتیجه رسیدن هستند.**

معلمان؛ هم مسئله، هم راه‌حل!

بدنه معلمان، تشکل‌های صنفی آموزش و پرورش و نسبت این دو با حاکمیت، سه محور اصلی بحثی بودند که «طاهره نقی‌ئی» دبیرکل سازمان معلمان ایران به آن پرداخت. او با اشاره به این موارد در ارتباط با چالش‌های فراروی جنبش معلمان در ایران گفت: معلمان هم مشکل هستند و هم راه حل. به این معنا که با پیگیری بسیاری از مسائل آموزش و پرورش متوجه می‌شویم که بسیاری از این مشکلات در میان بدنه معلمان نیز وجود دارد.

او با اشاره به صورت‌بندی بحث خود گفت: در ارتباط با بدنه معلمان باید بگویم که تجربه ما در سال‌های اخیر نشان داده که اصولا بین خواسته‌ها و فعالیت‌هایمان تناسبی وجود ندارد. یعنی هم زیاده‌خواهی داریم و هم انتظار داریم در زمان کوتاهی به اهدافی که تعیین کرده‌ایم، دست پیدا کنیم. علاوه بر آن در فضای تشکیلاتی نیز با مجموعه‌ای از تشکل‌های مجوزدار و بدون مجوز مواجهیم که –جدا از این که چقدر با این موضوع گرفتن مجوز موافق باشیم یا نه!– در نوعی ناهماهنگی و عدم ثبات فعالیت می‌کنند. از سوی **دیگر نیز با چالش نگرش امنیتی حاکمیت به فعالیت صنفی و تشکیلاتی** مواجهیم که از هر امکانی در جهت محدودسازی فضای فعالیت استفاده می‌کند. حال باید ببینیم که در این چارچوب، چگونه مسائل‌مان را حل کنیم.

این فعال صنفی نتیجه‌گیری می‌کند که «در چنین شرایط، گروهی از معلمان از کنشگری فاصله می‌گیرند و تنها در محدوده وظایف شغلی خود ادامه فعالیت می‌دهند. تعداد دیگری بدون سازماندهی مشخص و اصطلاحا به صورت خودجوش در عرصه کنشگری ظاهر می‌شوند و چارچوب مشخصی برای طرح مطالبات‌شان ندارند. گروه دیگری نیز وجود دارند که شامل فعالان صنفی و سیاسی می‌شوند و دارای شناسنامه مشخصی در سازماندهی هستند. تکثر و متشکل بودن ویژگی مثبت این گروه‌هاست اما اشکالاتی **همچون تک‌روی و ناهماهنگی با یکدیگر هم در فعالیت آن‌ها وجود دارد.**

دبیرکل سازمان معلمان ایران در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به اینکه «تلاش جمعی ما نباید تنها به حضور در خیابان محدود شود – گرچه سازمان معلمان ایران حضور خیابانی را به عنوانی بخشی از روند کنشگری،

به رسمیت می‌شناسد- گفت: در شرایط فعلی، جنبش معلمان پس از پشت سر گذاشتن فعالیت‌های میدانی یک سال گذشته، نیاز دارد که بیشتر به مذاکره فکر کند. برای این کار باید بین نمایندگان تشکل‌های مختلف صنفی تشریک مساعی ایجاد شود. ما اکنون در برابر حساس سازی جامعه نسبت به وضعیت معلمان مسئولیم و باید با تداوم روند مطالبه‌گری و همبستگی بیشتر، یک گام به پیش برداریم.

«طاهره نقی‌ئی» دبیرکل سازمان معلمان ایران: در ارتباط با بدنه معلمان باید بگوییم که تجربه ما در سال‌های اخیر نشان داده که اصولا بین خواسته‌ها و فعالیت‌هایمان تناسبی وجود ندارد

این فعال صنفی اضافه کرد: وظایف ما معلمان برای موفقیت جنبش معلمان در آینده شامل عمل به این موارد است:

- ترغیب نیروها و کنشگران خودجوش به کار جمعی
- سازماندهیِ نیروها و کنشگرانِ غیرسازمان‌یافته
- آموزش، جَذب و توانمندسازیَ معلمان توسط تشکل‌ها
- همکاری قاعده‌مند تشکل‌ها با یکدیگر
- پیگیری و رایزنی تلاش‌هایی که در سال گذشته انجام شده و انتخاب نمایندگان شایسته برای تداوم روند مطالبه‌گری
- استفاده از حمایت رسانه‌ها و پیوند با سایر اقشار اجتماعی مطالبه‌گر

در بخش دیگری از این گفتگوها نیز «محمد داوری» سخنگوی سازمان معلمان ایران به ماموریت مهم کنشگران صنفی در میادین مختلف پرداخت و با تاکید بر این که نقش‌آفرینی موثر در هریک از این میدان‌ها، نیازمند تحلیل دقیق و همراهی و هماهنگی همه طیف‌ها و سلایق صنفی در میان معلمان است، گفت: ما با چند میدان مختلف در عرصه کنشگری صنفی معلمان مواجهیم که ضرورت دارد به آن‌ها توجه کنیم و درک درستی برای ادامه مسیر به دست آوریم.

محمد داوری در مسیر جنبش معلمان سه چالش در درون ساختار آموزش و پرورش شناسایی کرد: «اولین میدان، درون سازمان آموزش و پرورش است که یک ساختار ایدئولوژیک، بروکراتیک و فرسوده دارد که در ناکارآمدی آن کمتر کسی تردید می‌کند. در درون این سازمان، ما با تعداد زیادی از کارکنان از مدیر مدرسه تا نیروهای اداری و حراست و نیروهای رسیدگی کننده به تخلفات مواجه هستیم که نسبت آن‌ها با کنشگری معلمان باید مورد توجه قرار گیرد. از **طرفی در بحث نیروهای جوان به ویژه دانشجومعلمان ما با چالش‌هایی** مواجه هستیم که کمتر مورد توجه کنشگران صنفی قرار گرفته است. همین‌طور معلمان غیرانتفاعی که معمولا خارج از عرصه کنشگری قرار می‌گیرند و به آن‌ها هم کمتر توجه می‌شود.»

داوری همچنین علاوه بر این چالش‌های درونی، اعلام کرد که جنبش معلمان با چالش‌های بیرونی متعددی از سوی حاکمیت، مجموعه دولت و مجلس مواجه است که نشان می‌دهد این جریان صنفی در میادین گسترده‌ای فعالیت می‌کند و نیازمند همراهی و پیوند با سایر جریان‌های اجتماعی، نخبگان و رسانه‌هاست تا اثربخشی لازم را بر فضای آموزشی کشور داشته باشد.

جمع‌بندی

مروری بر گزیده برخی اظهارنظرهای صورت گرفته در این نشست، نشان می‌دهد که جریان صنفی معلمان برای تداوم حرکت‌های مطالبه‌گرانه خود بیش از همیشه نیازمند تبیین چارچوبی نظری و عملیاتی برای ادامه مسیر است. نزدیکی بیشتر به طیف‌های مختلف معلمان از شاغل تا بازنشسته، حق التدریس، غیرانتفاعی، معلمان جوان و غیره و نیازسنجی هدفمند از مطالبات این گروه‌ها به عمق‌بخشی این جریان **صنفی و نتیجه‌گرا بودن آن کمک شایانی خواهد کرد. از** طرفی تحلیل، ارزیابی و نقد وضعیت فعالیت تشکل‌های صنفی موجود در جذب، آموزش و آگاهی‌رسانی صنفی به بدنه، دیگر ماموریت مهم کنشگران و ناظرانی است که تلاش می‌کنند دریچه‌ای تازه به افزایش سطح مشارکت صنفی بگشایند و ظرفیت‌های مغفول مانده را شناسایی و از آن‌ها استفاده کنند. در عین حال، تاکید بسیاری از سخنرانان **نشستِ اخیر بر تشریک مساعی و لزوم همکاری و هماهنگی** در پیشبرد مطالبات صنفی، نشان می‌دهد که این جریان اکنون در نقطه‌ای قرار دارد که نیازمند تقسیم وظایف، تعیین استراتژی و نقشه راه و برعهده گرفتن نقش‌های مختلف کنشگری آگاهانه برای ادامه مسیر است.

از طرفی فرونیافتادن در دام فراروایت‌های نخبگان سیاسی، مدنی و رسانه‌ای که با هر هدفی تلاش می‌کنند جریان مطالبه‌گری معلمان را به جریانی فراتر از ظرفیت‌های واقعا موجود پیوند دهند و به این وسیله خواسته یا ناخواسته امکان نقد و ارزیابی میان «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» را به حداقل می‌رسانند، از دیگر مواردی است که باید مورد توجه فعالان صنفی معلمان قرار گیرد.

رمز پیروزی کارگران آمازون چه بود ؟

کارگران آمازون در استاتن‌آیلند به مهمترین پیروزی کارگری در ایالات متحده از دهه ۱۹۳۰ دست یافتند. اما چگونه؟

پس از چندین دهه افول اتحادیه‌ها، کارگران شرکت آمازون در استاتن‌آیلند با رای‌گیری درباره تشکیل اتحادیه رسمی آمازون و برنده شدن در این رای‌گیری به مهمترین پیروزی کارگری در ایالات متحده از دهه ۱۹۳۰ دست یافتند. صرف‌نظر از این که سکان رهبری این جنبش کارگری را چه کسی به دست گرفته، کنترل بر آمازون و شکست دادن آن کمتر از شکستن شاخ غول نیست. این حرکت موفق از انبار توزیع موسوم به JFK ۸ با تلاش اتحادیه کارگری آمازون که تشکلی مستقل، برخاسته از کارگران و بسیار جوان و نوپاست شروع شد و به نتیجه رسید. (کارگران استاتن‌آیلند نیویرک با ۲,۶۵۴ رای موافق در برابر ۲,۱۳۱ رای مخالف به تشکیل اتحادیه رسمی آمازون رای دادند.)

اتحادیه کارگری آمازون با نام Amazon Labor Union، به اختصار ALU که با ترکیبی از کارکنان پیشین و کنونی در سال ۲۰۲۰ به صورت مستقل تشکیل شده بود دوره‌ای از تلاش بی‌وقفه را طی کرد تا دیگر کارگران شرکت آمازون را قانع کند که نیاز به اتحادیه دارند. کسانی پرچمدار این جنبش بودند، مثل کریستین اسمالز که اولین اعتصاب را با گروه کوچکی از کارگران انبار سامان داده بود و اخراجش در مقطعی خبرساز شد. اما کسان دیگری هم بودند که مثل اسمالز از ناامنی شغلی در اضطراب مداوم بودند و علاوه بر این باور داشتند که در شیفت‌های طولانی سرپا در داخل انبار استاتن‌آیلند با آن‌ها مثل انسان رفتار نمی‌شود. نگاه ابزاری به کارگران باعث شد که در تلاش برای تشکیل اتحادیه رسمی، در پی احقاق حقوق جمعی خود برآیند.
گفتگوی اریک بلان از نشریه ژاکوبین (نشریه چپ وابسته به صدای امریکا) با دو تن از رهبران کارگری جنبش تشکیل اتحادیه آمازون می‌تواند نکات ارزنده‌ای برای کنشگران مدنی و فعالان حقوق کارگر حاوی نکاتی در بر داشته باشد که چگونه می‌توان برای اولین بار جنبشی را سامان داد و اتحادیه ساخت. بخش‌هایی از این دو مصاحبه مستقل را که یکی قبل و دیگری بعد از رای‌گیری انجام شد برای این مطلب برگزیده‌ایم. ولی متن کامل هر دو مصاحبه در تارنمای داوطلب منتشر شده است.

شروع؛ وقتی به جنبش اتحادیه‌سازی دعوت شدم، معطل نکردم

مالدونادو، یکی از فعالانی که تازه چند ماه پیش وارد انبار استاتن‌آیلند شده‌بود و از شادی برنده شدن در انتخابات زبانش بند آمده‌بود، درباره شروع فعالیتش برای تشکیل اتحادیه می‌گوید:
«یک روز موقع تعطیلی بعد از شیفت طولانی ۱۲ساعت و سی دقیقه‌ای یک سازمان دهنده تشکل کارگری آمازون به سراغم آمد و به من اطلاع داد که چه خبر است. راستش من بلافاصله وارد این کار شدم. قبلاً هرگز عضو اتحادیه نبودم، اما مادرم از زمانی که به یاد دارم عضو اتحادیه ۱۱۹۹SEIU بوده است. بنابراین وقتی شنیدم شرکت آمازون هم می‌تواند اتحادیه داشته باشد، به تجربه می‌دانستم که این امر چقدر برای کارکنان و خانواده‌ها سود خواهد داشت. از آن نقطه به بعد، اساساً مشارکت تمام قد خود را شروع کردم.»

او به غیر ازنگرانی برای آینده شغلی‌اش می‌دانست که تنها از راه تشکیل اتحادیه می‌تواند بیمه درمانی همگانی را در مطالبات جمعی پیگیری کند. هزینه بیمه درمانی هفته‌ای ۵۴ دلار برای خودش و پسرش مبلغ کمرشکنی بود؛ در حالی‌که خودش تا بیست‌وشش سالگی تحت پوشش بیمه مادرش نیاز نبود هزینه بیمه بدهد.

غذای مشترک، فرهنگ مشترک!

مالدونادو، تفرقه کارگرانی از زمینه‌های مختلف نژادی، فرهنگی، جنسیتی را می‌دید و البته کارگران سالخورده‌تر به چند تا جوان بلندپرواز چندان خوشبین نبودند. گروه آن‌ها مجبور بود برای برقراری ارتباط و گرد هم آوردن این همه کارگر گوناگون حول مطالبات مشترک، واقعا خلاقانه عمل کند.

او می‌گوید: «ایده‌ای داشتم که در نهایت خیلی خوب جواب داد: به همسایه‌ام که او نیز آفریقایی است و در غذاخوری کار می‌کند گفتم: «ما این همه غذا توزیع می‌کنیم؛ چرا غذایی ندهیم که با فرهنگ کارگران آمازون در ارتباط باشد؟ بنابراین یک روز از همسایه‌ام خواستم برای ما برنج سرخ‌شده آفریقایی درست کند؛ این کار واقعاً یک دسته کامل از کارگران آفریقایی را به سمت ما جذب کرد و ما چند سازمان‌دهنده جدید از میان آنان جذب کردیم. می‌توانم بگویم که داشتن سازمان‌دهنگان از نژادهای مختلف نیز بسیار مهم بود. من خودم نیم‌اسپانیایی هستم اما اسپانیایی صحبت نمی‌کنم، بنابراین برای یکی از سازمان‌دهندگان ما که اسپانیایی صحبت می‌کند، راحت‌تر بود که با کارگران اسپانیایی‌تبار صحبت کند و پاسخگوی پرسش‌های‌شان باشد.»

مالدونادو و دوستان فعال اتحادیه با تک‌تک کارگران سخن گفتند. مالدونادو هر بار چهره تازه ی می‌دید جلو می‌رفت و پرس و جو می‌کرد که آیا از شرایط راضی‌اند و از اتحادیه کارگران آمازون چیزی شنیده‌اند؟

مالدونادو تاکید می‌کند: «به هر کسی در ساختمان که می‌خواست سازماندهی کند اجازه دادیم تا سازماندهی کند. و این واقعاً به نفع ما شد زیرا اعضای کمیته در حال حاضر یک گروه متنوع ساخته‌اند.»

اما شرکت آمازون حتی با ترفند و دروغ‌سازی و هم نتوانست آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی کند. به گفته مالدونادو، «آمازون واقعاً ترس را به کارگران القا می‌کند. نه تنها همه جا پوسترهای ضد اتحادیه چسبانده بودند که شرکت آمازون «شکارچی اتحادیه» اجیر کرده بود که دائماً در اطراف ساختمان قدم می‌زدند و با کارگران صحبت می‌کردند تا مبادا کارگران به اتحادیه بپیوندند.»

آیا فعالان نمی‌ترسیدند؟

مالدونادو می‌گوید: «وضعیت ترسناکی بود. آن‌ها اساساً به دروغ به همکاران‌مان گفتند که ما اعضای اتحادیه کارگری آمازون نیستیم و می‌گفتند که شخص ثالث هستیم و از بیرون شرکت آمده‌ایم تا توی شرکت نفوذ کنیم؛ در حالی که ما هم مثل بقیه، کارگر بودیم و از جای دیگری نیامده بودیم.»

شرکت آمازون حتی جلسه اجباری توجیهی برای برخی از کارگران ترتیب داد که با ارعاب و تهدید و جوسازی از پیوستن آنان به فعالان تشکیل اتحادیه جلوگیری کند. مالدونادو توضیح می‌دهد که مزدوران ضد اتحادیه، کارگرانی را به صورت تصادفی از شیفت کاری خود جدا می‌کردند تا در جلسه توجیهی اجباری شرکت کنند. او توضیح می‌دهد که فعالان چگونه بدون دعوت در این جلسه حاضر شدند و جلوی حضار ترس‌خورده تمام توان و شجاعت خود را جمع کردند تا دروغ گردانندگان جلسه را درباره هویت خود برملا کنند. آن‌ها پیش از آن از طریق دیگر فعالان با وکیل مشورت کرده بودند که بدانند حضور ناخواسته‌شان در جلسه توجیهی غیر قانونی نباشد.

او توضیح می‌دهد که «مدیر جلسه هشدار داد که اگر جلسه را ترک نکنیم به دلیل «سرکشی و نافرمانی» توبیخ خواهیم شد. اما ما ایستادگی کردیم، ماندیم و حقیقت را به همکاران‌مان گفتیم. باید خطر می‌کردیم. در آن موقعیت همه ما کمی ترسیده بودیم، اما باید این

صرف‌نظر از این که سکان رهبری این جنبش کارگری را چه کسی به دست گرفته، کنترل بر آمازون و شکست دادن آن کمتر از شکستن شاخ غول نیست

خطر را می‌پذیرفتیم، زیرا همکاران‌مان باید ایستادگی ما را می‌دیدند.»

با هر کسی آشنا می‌شدیم سریع شماره تلفنش را می‌گرفتیم و در شبکه‌های اجتماعی او را وارد گروه می‌کردیم

مالدونادو به حافظه خود اطمینان داشت و چهره‌هایی که قبلا توی گفتگوها ندیده بود را به خاطر می‌آورد ولی با این حال او و همکارانش از شروع فعالیت داوطلبانه خود سیستمی از جمع‌آوری اطلاعات شخصی و مدیریت دقیق شبکه‌های اجتماعی و اخبار به راه انداختند. این‌گونه، به همه کارگران چند راه دسترس داشتند. اطلاعات جمع‌آوری شده در بانک اطلاعاتی به آن‌ها کمک می‌کرد که حتی در روزهای تعطیل از راه تلفن زمینی بتوانند با خانه کارگران تماس بگیرند و رد و بدل کنند.

آن‌ها همچنین برای تشکیل اتحادیه تصمیم گرفتند که هرگز محیط انبار را خالی نکنند و هرچند مراقب بودند که از شیفت کاری خود برای فعالیت تشکل استفاده نکنند ولی در استراحت‌های کوتاه بین کار وحتی قبل و بعد از کار و روزهای تعطیل بر اساس برنامه‌ای دقیق با دیگر فعالان حضور مداوم خود را به همکاران‌شان ثابت کردند.

مالدونادو، گاهی باید پس از رساندن پسرش از مدرسه به خانه به جای وقت گذراندن با خانواده دوباره به محل کار بر می‌گشت، جایی که دوازده ساعت دشوار کاری را در شرایط غیر انسانی گذرانده بود. او می‌گوید اگر ایثار و ایمان عظیم‌شان نبود، سنگر حتما خالی می‌ماند.

آن‌ها با پخش تی‌شرت با تصویر اتحادیه کارگران آمازون تقریبا از دو هفته مانده به انتخابات می‌دیدند که استقبال زیاد است و حتما برنده خواهند شد.

تاثیر یک عضو واقعا باسواد در جنبش اتحادیه‌سازی

اما قلب تلاش تشکیل اتحادیه، بریما سیلا، یک مهاجر پنجاه و پنج ساله لیبریایی بود که در شیفت صبح در JFK۸ کار می‌کند. کسی که با وجود مدرک دکترای سیاست عمومی از دانشگاه والدن نتوانست در دوران همه‌گیری به شغل معلمی خود ادامه بدهد و در نهایت مجبور شد در آمازون مشغول به کار شود. بریما سیلا به خاطر تسلط بر چندین زبان توانست با کارگران زیادی از فرهنگ‌های مختلف گفتگو کند.

او معروف است که با آرامش و تداومی عجیب نشان می‌داد که **می‌دانست چه دارد می‌کند. بریما سیلا در گفتگوی خود با اریک** بلان- قبل از رای گیری- می‌گوید:

«ما مرتباً یکدیگر را می‌بینیم، چه در وقت ناهار، چه در تعطیلات یا گاهی در بیرون از محل کار. اما صادقانه بگویم، بسیاری از کارگران این‌جا از ابتدا تحت تأثیر تلاش ایجاد اتحادیه نبودند.»

گفتگوهایی ساده، پیگیر، همه‌فهم و موثر

بریما سیلا تاکید می‌کند که خودش هم مثل بسیاری از همکارانش از رویارو شدن با منابع قدرت می‌ترسید و حتی مطمئن نبود که تی‌شرت (اتحادیه کارگری آمازون) ALU را بپوشد یا نه. اما به تدریج شجاع‌تر شد و با رعایت قانون، فقط در ساعت غیر کاری با همکارانش سخن گفت، از حال و روزشان و کار در آمازون جویا می‌شد. زندگی برای همه دشوار بود. گفتگوها به شیوه بسیار ساده، رو در رو و با زبانی برابر و البته پیگیرانه انجام می‌شد.

بریما سیلا می‌پرسید: «می‌خواهی ساعتی سی دلار درآمد داشته باشی؟» و هر بار مخاطب می‌گفت معلوم است! او این‌گونه به همکاران خود می‌گفت که باید عضو اتحادیه شوند زیرا به تنهایی کاری از پیش نخواهند برد.

بریما سیملا و گروهش چند ابتکار کلیدی به خرج دادند؛ برای دسترس به هر چهار شیفت کاری، با کمیته گفتگو کردند و تصمیم گرفتند که همگام با دیگر اعضا، آگهی‌های دوزبانه اتحادیه را به دست کارگران برسانند و با آن‌ها جلوی ورودی ساختمان صحبت کنند و با تشکیل گروه‌های واتس‌اپی با همدیگر در ارتباط قرار بگیرند. می‌گوید:

«این بار دلیل موفقیت کمپین اتحادیه بر خلاف سایر دفعات این بود که ما تیم بزرگی از سازمان دهندگان داشتیم که سخت کار کردند و به کاری که انجام می‌دادیم اعتقاد داشتند.»

جدیدترین کاری که برای اتحادیه انجام دادم این بود که به عنوان ناظر شمارش آرا عمل کنم. من آفریقایی هستم و دیده‌ام که چگونه کسانی که در قدرت هستند می‌توانند در رای‌ها دست ببرند و رای‌گیری را خراب کنند، می‌خواستم مطمئن شوم که این موضوع در این‌جا تکرار نمی‌شود.

او می‌دانست که تشکیل اتحادیه گریزناپذیر است و رای خواهند آورد.او پیامی که در گروه منتشر کرده بود را نشان خبرنگار می‌دهد: «به لطف خدا تاریخ ساخته خواهد شد. مردم صحبت خواهند کرد و آمازون موظف خواهد شد وارد معامله جمعی شود و این نبرد دیگری خواهد بود که ما برای آن آماده خواهیم بود. تقریباً همه مهاجرانی که با آن‌ها صحبت کردم موافقند که وضعیت باید تغییر کند. به همین دلیل است که اکثریت از ALU حمایت می‌کنند.»

او درباره همکاری‌شان با دیگر گروه‌های کارگری می‌گوید: «با همه، از انبارها در بروکلین و مانهاتن گرفته تا سراسر کشور، تجربه خود را به اشتراک می‌گذاریم و به آن‌ها کمک می‌کنیم تا موفق شوند. ما از اتحادیه‌های دیگر آموخته‌ایم، از سازمان دهندگان مجرب اتحادیه‌ها یاد گرفته‌ایم، و برای حمایت از ما، اتحادیه‌ای حتی دفتر خود را به ما داد تا از آن استفاده کنیم.

اکنون نوبت ماست که همین کار را برای کارگران آمازون در همه جا انجام دهیم.»

وضعیت ترسناکی بود. آن‌ها اساساً به دروغ به همکاران ما گفتند که ما اعضای اتحادیه کارگری آمازون نیستیم و می‌گفتند که شخص ثالث هستیم و از بیرون شرکت آمده‌ایم تا توی شرکت نفوذ کنیم؛ در حالی که ما هم مثل بقیه کارگر بودیم و از جای دیگری نیامده بودیم

من آفریقایی هستم و دیده‌ام که چگونه کسانی که در قدرت هستند می‌توانند در رای‌ها دست ببرند و رای‌گیری را خراب کنند، می‌خواستم مطمئن شوم که این موضوع در این‌جا تکرار نمی‌شود

مدیر جلسه هشدار داد که اگر جلسه را ترک نکنیم به دلیل «سرکشی و نافرمانی» توبیخ خواهیم شد. اما ما ایستادگی کردیم، ماندیم و حقیقت را به دیگر همکاران گفتیم. باید خطر می کردیم!

روز کارگر در کشورهای مختلف

مجموعه عکس‌های منتخب، بازتابی از تلاش کارگران در احقاق مطالبات صنفی

روز اول ماه مه در بیشتر کشورهای جهان به عنوان روز کارگر گرامی داشته می‌شود. این روز فرصتی است که کارگران ابراز همبستگی کنند و در سایه پوشش گسترده خبری بتوانند به طرح مطالبات جمعی بپردازند و افراد بیشتری را با خود همراه کنند. روز اول ماه مه از دهه دوم قرن بیستم در برخی کشورها «می‌دی» نام گرفته، ترکیبی که با هشدار، بوق، سوت، کمک و پریشانی پیوند دارد. این اصطلاح از عبارت فرانسوی در صنعت هوانوردی به معنی هشدار فوری «کمک» هنگام احتمال فاجعه، از دهه دوم قرن بیستم به ادبیات کارگری راه یافته است. در حالی که رسانه‌های جهان بیشتر علاقمند پوشش اخبار خشونت و مسائل فوق‌العاده در این روز هستند ولی فعالیت‌های مختلفی در به صورت دولتی و محلی سطح واحد اقتصادی، فراخوانی از سوی فعالان کارگری و یا به صورت دولتی و محلی حتی در تالار شهرداری‌ها و به صورت هماهنگ در مقیاس کشوری نیز ممکن است در این روز انجام بگیرد. موسیقی و جشن‌های کوچک و دعوت کارفرما به گفتگو بر سر میز کارگران، و کاردستی‌سازی و اطلاع‌رسانی درباره موضوع فعالیت یک جنبش حتی در کشورهایی که روز دیگری رسما روز کارگر نامگذاری شده از جمله فعالیت‌هایی ست که در نقاط مختلف جهان انجام می‌شود. مثلا امسال یک کلوب موسیقی جاز در دیترویت آمریکا اعلام کرد که برنامه ویژه‌ای به مناسبت کارگری می‌دی تدارک دیده، در حالی که با نگاهی به تاریخچه سیاسی این روز، اولین دوشنبه ماه سپتامبر روز کارگر در آمریکا نامگذاری شده است.

مجموعه عکس‌هایی از تلاش‌های کارگران در کشورهای مختلف، بازتابی از تلاش برای احقاق مطالبات صنفی است و در ضمن می‌تواند مبنای مقایسه قرار بگیرد که در هر کشور، کارگران به چه مطالباتی برتری می‌دهند و در چه مرحله‌ای از مطالبات صنفی قرار دارند.

از فروردین سال گذشته که پرستاران با جمع‌آوری هفت‌هزار امضا، خواسته‌های‌شان را طی کارزاری با نام «خون‌نامه پرستاران» به سران سه قوه وقت اعلام کردند، یک سال می گذرد. حالا با فروکش کردن کرونا سایه سیاه اراج و تعدیل نیرو بر پرستاران و کادر درمان سنگینی می کند. گرچه زمان و مکان دقیق این عکس معلوم نیست ولی مطالبات کادر درمان همین مواردی‌ست که در این تصویر پیداست.

طرح مطالبات جمعی کارگران در خانه کارگر

در ایران اجازه برگزاری تجمع در روز کارگر داده نمی‌شود و تنها تشکل‌های دولتی و شبه‌دولتی می‌توانند نشست‌های محدودی برگزار کنند.

شعارهای امسال: "کارگر کارگر اتحاد اتحاد.... شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "کارگر بیدار است.... از تبعیض بیزار است"، "امنیت شغلی ایجاد باید گردد.... قرارداد موقت ملغی باید گردد"، "حادثه حادثه برای جان کارگر"، "حقوق ما ریالیه ... هزینه‌ها دلاریه"، "امنیت معیشت حق مسلم ماست"، "سرمایه‌دار حیا کن... کارگرو رها کن"، "گرانی تورم بلای جان مردم" و "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم"

کره جنوبی: اتحادیه‌های کارگری کره جنوبی خواهان شرایط بهتر کاری شدند. این راه‌پیمایی به دعوت کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره برگزار شد.

فرانسه: معترضانی از قشرهای مختلف در مارسی، جنوب فرانسه با شعار و حمل پلاکارد خواستار تغییر وضعیت معاش کارگران و کاهش ساعت کاری شدند. در فرانسه حدود دویست‌هزار شرکت کننده به خیابان‌ها ریختند و در برخی شهرها با رویارویی معترضان با پلیس کار به خشونت کشیده شد. روز کارگر امسال در پاریس با کوکتل مولتف معترضان و دستگیری‌های گسترده همراه بود.

آلمان: ... ولی در فرانکفورت معترضان از فشفشه و دودهای رنگی استفاده کردند. کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان موسوم به DGB راهپیمایی گسترده‌ای در بسیاری از شهرهای آلمان ترتیب داد و در لایپزیک، تظاهرکنندگان برای ابراز همدردی با کارگران اوکراینی از نمادهای پرچم اوکراین استفاده کردند.

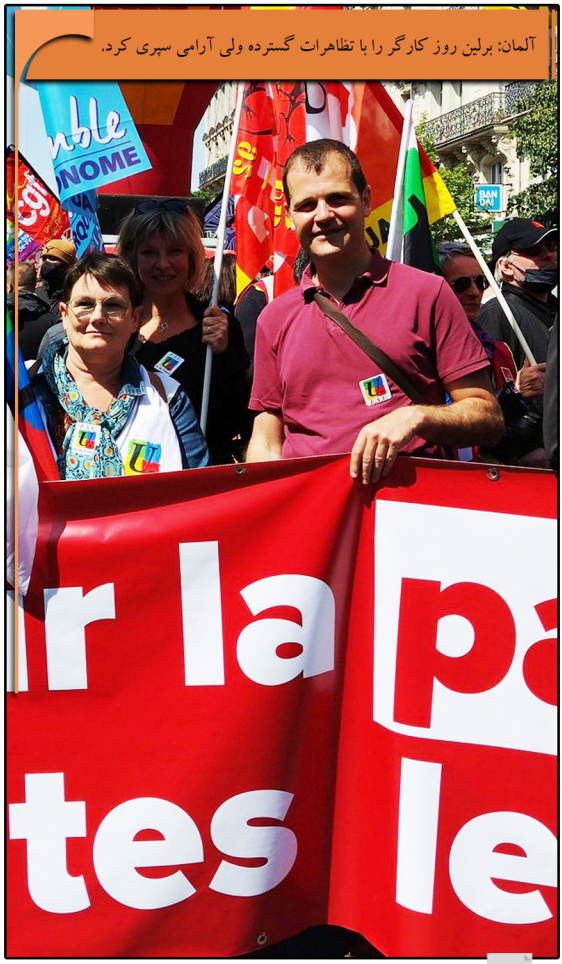

آلمان: برلین روز کارگر را با تظاهرات گسترده ولی آرامی سپری کرد.

ترکیه: پیشینه طولانی از سرکوب معترضان در روز کارگر دارد. امسال نیز با وجود ممنوعیت برگزاری این روز، جمعیت بزرگی در میدان تقسیم استانبول جمع شدند و گفته می شود که ۱۶۴ نفر دستگیر شده شدند.

هند: در راجستان، آرونا رای، سخنگوی اتحادیه‌ها و رییس کنفدراسیون زنان هند در سخنرانی به مناسبت روز کارگر اعلام کرد که کارگران کشاورزان فقیر با مصیبت‌هایی که پشت سر گذاشته‌اند قوانین زیادی را در این کشور به تصویب رسانده‌اند.

اسپانیا- مادرید: صدها تن در راهپیمایی روز کارگر شرکت کردند.

تارنمای داوطلب یک پایگاه خبری و تحلیلی درباره حقوق و مسایل صنفی کارگران است. هدف اصلی تارنمای داوطلب بالا بردن سطح دانش، آگاهی و مهارت فعالان کارگری برای سازماندهی تشکل‌ها و اتحادیه‌های مستقل کارگری و پیشبرد گفتگوهای اجتماعی، کار شایسته و حقوق برابر است. همچنین تلاش می‌کند بازتاب دهنده صداهای حاشیه نشین و به حاشیه رانده شده در عرصه جامعه کارگری در جامعه ایرانی باشد.

www.davtalab.org

تارنمای داوطلب را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید:

davtalaborg